سی و یک صفحه
بعنوان مرقع نستعلیق نیمه انگ
که نظیر آن در آثار هنری ایران
دیده نشده است عرضه میشود

بها: پانزده هزار ریال

بازدید شد
۱۳۸۲

بازرسی شد
۳-۳

ق (۱۰۲۰۷)
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب: مرقع خط نستعلیق ۳۱ صفحه (ترجمه لغت جزء ؟)
مؤلف
موضوع
شماره قفسه ۹۷۱۶
۲۱
شماره ثبت کتاب
۸۶۶۴

باب الالف و آن مشتمل بر دو فصل فصل اول در ذکر اسامی شهور و نامهای رجال و القاب

نظام اقست بمد الف و قاف مفتوحه بسین مهمله زده و تاء فوقانیه بر وزن پابست نام یکی از ماههاست
ابتدای آن با روز ششم حلول آفتاب برج اسد مطابق است و انتهایش با روز نهم سنبله موافق و اسامی
یازده ماه دیگر در مواضع خود یاد کرده اید انشاء الله تعالی اقتوبر بمد الف و قاف ساکنه و تاء فوقانیه مضمومه
بواو زده و باء موحده براء مهمله زده بر وزن ماهروتر نام ماه دیگر است اولش ششم عقرب و آخرش نهم
قوس است آدینات بمد الف و دال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون با الف کشیده بر وزن حاجیکام
سرداریست از دولت فرانسه و بدون یا نیز آمده است آلمند بمد الف و لام مفتوحه و میم مفتوحه
بنون زده و دال مهمله بر وزن پاپسند نام سرداریست از لشکر فرانسه آردلی بمد الف و راء مهمله ساکنه
و دال مهمله مفتوحه و لام مکسوره بیاء تحتانیه زده بر وزن ناموری قراولی را گویند که دائم الحضور و نگهبانی
وجود سلطان مملکت و اعیان دولت مامور اند آفیارک بمد الف و فاء ساکنه و یاء تحتانیه با الف کشیده
و راء مهمله و کاف ساکنه نام یکی از بزرگان انگلیس است که از جانب دولت روس سپهسالاری
و مقاتله با امپراطور ناپلیون مامور شد انقولیم بمد الف و نون ساکنه و قاف مضمومه بواو زده و
لام مکسوره بیاء تحتانیه زده و میم اسم امیریست از سلسله بوربان که در فرانسه پادشاه بوده و هنگام
تسلط ناپلیون که سلسله مزبور متفرق شد امیر مذکور بدولت انگلیس پناه برد تا زمانیکه دولات فرنگ
بر مخاصمت ناپلیون متفق گشتند و برا بسرداری لشکر مامور داشتند اقست بمد الف و قاف مفتوحه

بسین مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره بهاء زده بر وزن پابسته نام زوجه یوجین پسر جوسفاین حرم ناپلیون است
آنجرق بمد الف و قاف مکسوره بنون زده و باء موحده براء مهمله زده و قاف نام امیریست از مملکت
استرمن بمد الف و سین مهمله ساکنه و طاء مهمله مفتوحه براء مهمله و میم مفتوحه بنون زده بر وزن آس
کردن نام سپهسالاریست از روس آقرو بمد الف و قاف مکسوره و راء مهمله مفتوحه بواو زده بر وزن
ماه نو نام سرداریست از فرانسه آلاف بمد الف و راء مهمله ساکنه و لام با الف کشیده و فاء بر وزن
شال باف سپهسالاریست از فرانسه آتیجین بمد الف و تاء فوقانیه بیاء تحتانیه زده و نون ساکنه
و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بر وزن باریک بین اسم سرداریست از کشور بوریه آلتین
بمد الف و لام ساکنه و تاء فوقانیه مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بر وزن کابین سپهسالاریست از
انگلیس آدینو بمد الف و دال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون مفتوحه بواو زده نام سرداریست از
فرانسه آسکی بمد الف و سین مهمله ساکنه و کاف مکسوره بیاء تحتانیه زده بر وزن راستی سرداریست از
انگلستان آبری بمد الف و باء موحده مکسوره و راء مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده بر وزن صابری اسم
یکی از وزرای دولت جمهوریه فرانسه است آلدنی بمد الف و لام ساکنه و دال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون
مکسوره بیاء تحتانیه زده بر وزن دادبینی نام بزرگیست از کشور بالاشنا اونیل بضم الف بواو زده و نون
مکسوره بیاء تحتانیه زده و لام بر وزن زوبین جسم یکی از معارف هند سین فرنگ است آلبستی
بفتح الف بلام زده و باء موحده مفتوحه بسین مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره بیاء تحتانیه زده بر وزن ...

باب الالف وان مشتمل بر دو فصل فصل اول در ذکر اسامی شهور و نامهای رجال و القاب
نظام اقست بمد الف وقاف مفتوحه بسین مهمله زده وتاء فوقانیه بروزن پابست نام یکی از ماههاست
ابتدای ان با روز ششم حلول افتاب ببرج اسد مطابق است وانتهایش با روز نهم سنبله موافق واسامی
یازده ماه دیگر در مواضع خود یاد کرده اید انشاء الله تعالی اقتوبر بمد الف وقاف ساکنه وتاء فوقانیه مضموم
بواو زده وبا موحده براء مهمله زده بروزن همروبر نام ماهی دیگرست اول ششم عقرب و آخر ششم
قوس است آدینان بمد الف ودال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده ونون بالف کشیده بروزن عالیجاه نام
سرداریست از دولت فرانسه وبدون یا نیز امده است آلمند بمد الف ولام مفتوحه ومیم مفتوحه
بنون زده ودال مهمله بروزن ناپسند نام سرداریست از لشکر فرانسه آردیلی بمد الف وراء مهمله ساکنه
ودال مهمله مفتوحه ولام مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن ناموری قراولی را گویند که دائم الحضور بنگهبانی
وجود سلطان ملک واعیان دولت مامورانند افیارک بمد الف وفاء ساکنه ویاء تحتانیه بالف کشیده
وراء مهمله وکاف مکسوره ساکنه نام یکی از بزرگان انگلیس است که از جانب دولت روس سپهسالاری
ومقابله با امپراطور ناپلیون مامور شد انقولیم بمد الف ونون ساکنه وقاف مضمومه بواو زده و
لام مکسوره بیاء تحتانیه زده ومیم اسم امیریست از سلسله بوربان که در فرانسه پادشاه بوده وهنگام
تسلط ناپلیون که سلسله مزبور متفرق شد امیر مذکور بدولت انگلیس پناه برد تا زمانیکه دولت فرنگ
بر محاصره ناپلیون متفق گشتند وی را بسرداری لشکر مامور داشتند اقست بمد الف وقاف مفتوحه

بسی

بسین مهمله زده وتاء فوقانیه مکسوره بهاء زده بروزن پابسته نام زوجه یوجین پسر جوسفاین حرم ناپلیون است
آزن برق بمد الف وفاء مکسوره بنون زده وباء موحده وراء مهمله زده وقاف نام امیریست از مملکت نمسه
آسطرمن بمد الف وسین مهمله ساکنه وطاء مهمله مفتوحه براء مهمله ومیم مفتوحه بنون زده بروزن آتش
گردن نام سپهداریست از روس آقرو بمد الف وقاف مکسوره وراء مهمله مفتوحه بواو زده بروزن
ماه نو نام سرداریست از فرانسه آرلاف بمد الف وراء مهمله ساکنه ولام بالف کشیده وفاء بروزن
شال باف سپهداریست از فرانسه آتن جین بمد الف وتاء فوقانیه بیاء تحتانیه زده ونون کسره
وجیم مکسوره بیاء تحتانیه زده ونون بروزن باریک بین اسم سرداریست از کشور بوریه آلتین
بمد الف ولام ساکنه وتاء فوقانیه مکسوره بیاء تحتانیه زده ونون بروزن کابین سپهداریست از
انگلیس آدینو بمد الف ودال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده ونون مفتوحه بواو زده نام سرداریست از
فرانسه آسکی بمد الف وسین مهمله ساکنه وکاف مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن راستی سرداریست از
انگلستان آبری بمد الف وباء موحده مکسوره وراء مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن صابری اسم
یکی از وزرای دولت تموریه فرانسه است آلدینی بمد الف ولام ساکنه ودال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده ونون
مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن وارستی نام بزرگیست از کشور بالانه اونیل بضم الف بواو زده ونون
مکسوره بیاء تحتانیه زده ولام بروزن رونین اسم یکی از معارف هندوستان فرنگستان آلبستی
بفتح الف بلام زده وباء موحده مفتوحه بسین مهمله زده وتاء فوقانیه مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن بدیعی

نام یکی از وکلای دولت جمهوریهٔ فرانسه است آبرت بفتح الف و بای موحدهٔ مفتوحه برای مهمله زده و تای فوقانیه
بروزن درخت اسم وکیلی دیگر است از دولت جمهوریهٔ فرانسه آبریش بفتح الف برای مهمله زده و بای موحده
مکسوره بیای تحتانیه زده و شای مثلثه بروزن لبریز اسم جهازیست جنگی از دولت فرانسه آدمرل بفتح الف
بدال مهمله زده و میم مکسوره و رای مهملهٔ مفتوحه بلام زده بروزن سرپر لقب سردار جهازات جنگیست عموما
آورین بفتح الف و کسر رای مهمله بیای تحتانیه زده و نون بروزن قرین نام یکی از جهازات جنگی فرانسه است
اپریل بفتح الف بیای عجمی زده و رای مهمله مکسوره بلام زده بروزن منزل اسم یکی از ماههاست اولش هشتم
حمل و آخرش هشتم ثور است اُخاریه بفتح الف بواو زده و حای مهمله بالف کشیده و رای مهمله مکسوره بروزن فراره
نام سرداریست از انگلیس اُومیره بفتح الف بواو زده و میم مکسوره بیای تحتانیه زده و رای مهمله مکسوره بهای زده
بروزن همشیره نام طبیبی است انگریزی در خدمت امپراطور ناپلیون بکمال اعتبار داشته از ندمای خلوت
و خواص حضرت آن پادشاه دیگاه بود تا زمانی که امپراطور بواسطهٔ نفاق اهالی فرانسه و اتفاق قرالات
فرنگ از سلطنت خلع شده و در جزیره سنت هیلن در قراول دولت انگلیس بود و طبیب مشارالیه از خدمت اخراج
فرمود الکسندر بفتح الف و لام مکسوره بکاف زده و سین مهملهٔ مفتوحه بنون زده و دال مهمله مفتوحه برای
مهمله زده بروزن فلک سنجر نام امپراطور روس است که معاصر امپراطور ناپلیون بود الف بیگ
بفتح الف بلام زده و فای ساکنه و بای موحده مفتوحه بیای تحتانیه زده و کاف نام یکی از بزرگان مصر است
عمارتی ملوکانه در آنملک بنا نهاده و ناپلیون در اوقات استیلای بمصر آن عمارت را دار الملک خود قرار داد

ابر

ابریل بفتح الف بیای موحده زده و رای مهمله مکسوره بیای تحتانیه زده و لام بروزن تمثیل اسم معبدیست
از صدانجمانهٔ فرانسه اوش بفتح الف بواو زده و شای مثلثه بروزن قوس اسم سرداریست از ممالک نمسه
اوسین بفتح الف بواو زده و سین مهمله مکسوره و یای تحتانیه مفتوحه بنون زده بروزن صف شکن
نام شاعریست از فرانسه اکمول بفتح الف بکاف زده و میم مضمومه بواو زده و لام بروزن مقبول اسم
یکی از شاهزادگان فرانسه است آرلون بفتح الف برای مهمله زده و لام بالف کشیده و نون بروزن
طهران اسم سرداریست از فرانسه آبردین بفتح الف و بای موحده مفتوحه برای مهمله زده و دال مهمله مکسوره
بیای تحتانیه زده و نون بروزن گرچین اسم امیریست از انگلیس السوفیف بفتح الف بلام زده و سین مهمله
مضمومه بواو زده و فای مکسوره بیای تحتانیه زده و فا سرداریست از روس اجودان بفتح الف و جیم
مضمومه بواو زده و دال مهمله بالف کشیده و نون بروزن خموشان لقب شخصی است که اقباض و ایصال
سیورسات و سایر ما یحتاج افواج در عهدهٔ اوست آمدان بفتح الف و میم مفتوحه و دال مهمله بالف
کشیده و نون بروزن رمضان طایفه از زنانند که در کار معاش خویش بی نیاز از شوهر اند و هر گاه
دشمنی قصد ایشان کند اسلحهٔ حرب برگیرند و بدفع دشمن کوشند ابندمانتسکو بفتح الف و بای موحده
مکسوره بیای تحتانیه زده و دال مهمله مضمومه و میم بالف کشیده و نون ساکنه و تای فوقانیه مکسوره بسین
مهمله زده و کاف مفتوحه بواو زده اسم یکی از چهار نفر امیریست که سلاطین متفقهٔ قرالات فرنگ
بعد از استیلا بر فرانسه و استیصال امپراطور ناپلیون و تسخیر شهر پاریس بنگاهبانی مملکت فرانسه مامور کرده اند [illegible]

نام یکی از وکلای دولت جمهوریه فرانسه است آبرث بفتح الف و با موحده مفتوحه برا مهمله زده و تا فوقانیه
بروزن درفت اسم وکیلی دیگر است از دولت جمهوریه فرانسه آبریش بفتح الف برا مهمله زده و با موحده
مکسوره بیا تحتانیه زده و شین معجمه بروزن تبریز اسم جهازیست جنگی از دولت فرانسه آمریل بفتح الف
بدال مهمله زده و میم مکسوره و را مهمله مفتوحه بلام زده بروزن سرسر لقب سردار جهازات جنگیست عموما
ابرین بفتح الف و کسر را مهمله بیا تحتانیه زده و نون بروزن قرین نام یکی از جهازات جنگی فرانسه است
اپریل بفتح الف بیا عجمی زده و را مهمله مکسوره بلام زده بروزن منزل اسم یکی از ماههاست اولش هشتم
حمل و آخرش نهم ثور است اوحابر بفتح الف بواو زده و حا مهمله بالف کشیده و را مهمله مکسوره بروزن قرار
نام سرداریست از انگلیس اومیرو بفتح الف بواو زده و میم مکسوره بیا تحتانیه زده و را مهمله مکسوره بها
بروزن همشیره نام طبیبی است انگریزی در خدمت امپراطور ناپلیون کمال اعتبار داشته از ندما و خلوت
و خواص حضرت آن پادشاه یگانه بود تا زمانی که امپراطور بواسطه نفاق اهالی فرانسه و اتفاق دولت
فرنگ از سلطنت خلع شده و در جزیره سنت هلنه در قراول دولت انگلیس بود و طبیب مشار الیه از خدمت اخراج
فرموده الکسندر بفتح الف و لام مکسوره بکاف زده و سین مهمله مفتوحه بنون زده و دال مهمله مفتوحه برا
مهمله زده بروزن ملک سنجر نام امپراطور روس است که معاصر امپراطور ناپلیون بوده آلفبیگ
بفتح الف بلام زده و فا ساکنه و با موحده مفتوحه بیا تحتانیه زده و کاف نام یکی از بزرگان حضرات
عثمانی ملوکانه در انگلند بنا نهاد و ناپلیون در اوقات استیلا بمصر آن عمارت را دار الملک خود قرار داد

ابریل

ابریل بفتح الف و با موحده زده و را مهمله مکسوره بیا تحتانیه زده و لام بروزن تمثیل اسم معتمدیست
از عدالتخانه فرانسه آوش بفتح الف بواو زده و شین معجمه بروزن قوس اسم سرداریست از ممالک روسیه
اوبیسن بفتح الف بواو زده و سین مهمله مکسوره و یا تحتانیه مفتوحه بنون زده بروزن صف شکن
نام شاعریست از فرانسه آنگول بفتح الف بکاف زده و میم مضمومه بواو زده و لام بروزن مقبول اسم
یکی از شاهزادگان فرانسه است آرلان بفتح الف برا مهمله زده و لام بالف کشیده و نون بروزن
طرلان اسم سرداریست از فرانسه آبردین بفتح الف و با موحده مفتوحه برا مهمله زده و دال مهمله مکسوره
بیا تحتانیه زده و نون بروزن گرچین اسم امیریست از انگلیس آلسوفیف بفتح الف بلام زده و سین مهمله
مضمومه بواو زده و فا مکسوره بیا تحتانیه زده و فا سرداریست از روس اجودان بفتح الف و جیم
مضمومه بواو زده و دال مهمله بالف کشیده و نون بروزن خموشان لقب شخصی است که اقباض و ایصال
سورسات و بسیار با احتیاج افواج در عهده اوست آمذان بفتح الف و میم مفتوحه و ذال معجمه بالف
کشیده و نون بروزن رمضان طایفه از زنانند که در کار معاش خویش بی نیاز از شوهر اند و هرگاه
دشمنی قصد ایشان کند اسلحه حرب برگیرند و بدفع دشمن کوشند ایبدمانستکو بفتح الف و با موحده
مکسوره بیا تحتانیه زده و دال مهمله مضمومه و میم بالف کشیده و نون ساکنه و تا فوقانیه مکسوره بسین
مهمله زده و کاف مفتوحه بواو زده اسم یکی از چهار نفر امیریست که سلاطین متفقه دولت فرنگ
بعد از استیلا بر فرانسه و استیصال امپراطور ناپلیون و تسخیر شهر پاریس بحکمرانی مملکت فرانسه مامور کردند آلو

فتح الف وتاء فوقانیه مفتوحه بواو زده بر وزن مشو اسم وزیر مختار دولت روس است که در انگلند
بود استاترفی فتح الف وکسر راء مهمله وسین مهمله زده وتاء فوقانیه بالف کشیده وقاف ساکن وراء
مهمله مفتوحه وفاء مشدده مکسوره بیاء تحتانیه زده سلطنتی اگویند که معدودی از اهل مملکت باتفاق هم کرمش شده
اهالی مملکت را مطیع خود سازند ونظم مهام پردازند انکانستنت بکسر الف بنون زده وکاف بالف کشیده
ونون وسین مهمله مکسوره وتاء فوقانیه مفتوحه بنون زده وتاء فوقانیه اسم یکی از جهازات جنگی انگلیس است
اقسلمن بکسر الف بقاف زده وسین مهمله بلام زده ومیم مفتوحه بنون زده نام سرداریست از لشکر فرانسه
ارنه بفتح الف براء مهمله زده ونون مکسوره بهاء زده بر وزن قرنه اسم یکی از شهرهای فرانسه است وقتی با
ستن انگلستان اراده قتل امپراطور ناپلیون کرد ارچه وکجان فتح الف براء مهمله زده وجیم ساکن عجمی ودال مهمله مضمومه
بواو زده وکاف ساکن وجیم بالف کشیده نام سپهداریست از فرانسه ارتابز فتح الف براء مهمله زده وتاء فوقانیه بالف
کشیده وباء تحتانیه ساکن وزاء معجمه اسم یکی از اعاظم فرنگ است در قدیم الایام لشکری فراهم آورده دعوی پادشاهی
کرده نشان سپاه خود را سبز قرار داده تا از دیگران ممتاز باشند انداوری فتح الف بنون زده ودال مهمله مکسوره
وراء مهمله بالف کشیده وواو ساکن وزاء معجمه بیاء تحتانیه زده نام سرهنگ توپخانه فرانسه است انتان بری
فتح الف بنون زده وتاء فوقانیه بالف کشیده ونون مکسوره بنون زده وهاء مکسوره بنون زده وراء مهمله
مکسوره بیاء تحتانیه زده اسم پادشاه فرانسه است که قبل از استیلای ناپلیون در آن مملکت سلطنت مینمود ایجین
بکسر اول بیاء تحتانیه زده وجیم مکسوره بیاء تحتانیه زده ونون بر وزن بیدین نام یکی از سلاطین فرانسه است

الجو

ذوالسلطه بوربان آلونده فتح الف بلام زده وواو مکسوره بنون زده ودال معجمه مفتوحه بهاء زده سپهداریست از
فرانسه الب فتح الف ولام وباء موحده مکسوره بتاء فوقانیه زده نام یکی از وکلاء دولت جمهوریه فرانسه است
ایدکمپ فتح الف بیاء تحتانیه زده ودال است که مهمله ودال مهمله مضمومه وکاف مفتوحه بمیم زده وباء
عجمی یعنی نایب توپخانه ابرزیل فتح الف وباء موحده مکسوره بیاء تحتانیه زده وراء مهمله بالف کشیده
ونون مکسوره وباء تحتانیه بالف کشیده ولام اسم یکی از بزرگان حضرت عیسویست استوری فتح الف وسین
مهمله زده وتاء فوقانیه مضمومه بواو زده وراء مهمله مکسوره وباء تحتانیه مفتوحه بهاء زده اسم ولیعهد دولت اسپان است
الپ منه فتح الف بلام زده وباء عجمی ساکنه ومیم مفتوحه بنون زده ودال مهمله بر وزن دردمند اسم
سرهنگیست از لشکر فرانسه الیس بکسر الف ولام مکسوره بیاء تحتانیه زده وسین مهمله بر وزن سرپیش اسم
سرکردیست از انگلیس اناط فتح الف براء مهمله زده ونون بالف کشیده وطاء مهمله بر وزن قرماط اسم
طبیبی است انگلیسی انتامری فتح الف بنون زده وتاء فوقانیه بالف کشیده ومیم مفتوحه براء مهمله زده
وجیم عجمی مکسوره بیاء تحتانیه اسم طبیبی است فرانسه امری بکسر الف ومیم مفتوحه وراء مهمله مکسوره بیاء
تحتانیه زده بر وزن دگری اسم طبیبی است فرانسه اربل بکسر الف براء مهمله زده وتاء فوقانیه مکسوره بلام
زده بر وزن کل اسم سرهنگیست از لشکر روس ابیل بکسر الف بیاء تحتانیه وباء موحده مکسوره بلام زده
بر وزن بیدل اسم مهندس افواج فرانسه است الیده بکسر الف بلام زده وباء تحتانیه مفتوحه ودال معجمه
مکسوره بهاء زده اسم همشیره امپراطور ناپلیونست اپایل فتح الف وباء عجمی بالف کشیده ولام مکسوره بیاء

فتح الف و تاء فوقانیه مفتوحه بواو زده بروزن شتو اسم وزیر مختار دولت روس است که در انگلند
بود استاروقی فتح الف و کسر راء مهمله سین مهمله زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و قاف ساکن و را
مهمله مفتوحه و تاء مشدده مکسوره بیاء تحتانیه زده سلطنتی را گویند که معدودی از اهل مملکت باتفاق که رئیس شده
اهالی مملکت را مطیع خود سازند و نظم مهام پردازند انکاستنت بکسر الف بنون زده و کاف بالف کشیده
و نون و سین مهمله مکسوره و تاء فوقانیه مفتوحه بنون زده و تاء فوقانیه اسم یکی از جهازات جنگی انگلیس است
اقسمن بکسر الف بقاف زده و سین مهمله بلام زده و میم مفتوحه بنون زده نام سرداریست از لشکر فرانسه
ارنیه فتح الف براء مهمله زده و نون مکسوره بهاء زده بروزن قرنیه اسم یکی از اشراف فرانسه است و فیما
سبق از حکام ان اراده قتل امپراطور ناپلیون کرد ارچیده گجان فتح الف براء مهمله زده و جیم ساکن عجمی و دال مهمله مضمومه
بواو زده و کاف ساکنه و جیم بالف کشیده نام سرداریست از فرانسه اتاباز فتح الف براء مهمله زده و تاء فوقانیه بالف
کشیده و باء تحتانیه ساکنه و زاء معجمه اسم یکی از اعاظم فرنگ در قدیم الایام لشکری فراهم آورده دعوی پادشاهی
کرد و نشان سپاه خود را سبز قرار داد تا از دیگران ممتاز باشند اندرادوزی فتح الف بنون زده و دال مهمله مکسوره
و راء مهمله بالف کشیده و واو ساکنه و زاء معجمه بیاء تحتانیه زده نام سرهنگ توپخانه فرانسه است انتانسی
فتح الف بنون زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و نون مکسوره بنون زده و تاء مکسوره بنون زده و راء مهمله
مکسوره بیاء تحتانیه زده اسم پادشاه فرانسه است که قبل از استیلای ناپلیون در آن مملکت سلطنت مینمود ایجین
بکسر اول بیاء تحتانیه زده و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بروزن [illegible] نام یکی از سلاطین فرانسه است

ابلو

از سلسله بوربان الوندد فتح الف بلام زده و واو مکسوره بنون زده و ذال معجمه مفتوحه بهاء زده سپهداریست از
فرانسه النت فتح الف و باء موحده مکسوره بتاء فوقانیه زده نام یکی از وکلاء دولت جمهوری فرانسه است
ایدکمپ فتح الف بیاء تحتانیه زده و دال ساکن مهمله و دال مهمله مضمومه و کاف مفتوحه بمیم زده و باء
عجمی یعنی نایب توپخانه ابریزنیال فتح الف و باء موحده مکسوره بیاء تحتانیه زده و راء مهمله بالف کشیده
و نون مکسوره و یاء تحتانیه بالف کشیده و لام اسم یکی از بزرگان ملت عیسویت استوریه فتح الف بسین
مهمله زده و تاء فوقانیه مضمومه بواو زده و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده اسم ولیعهد دولت پروس است
الپمند فتح الف بلام زده و باء عجمی ساکنه و میم مفتوحه بنون زده و دال مهمله بروزن [illegible] اسم
سرهنگیست از لشکر فرانسه الیس بکسر الف و لام مکسوره بیاء تحتانیه زده و سین مهمله بروزن [illegible] اسم
بزرگیست از انگلیس ارناط فتح الف براء مهمله زده و نون بالف کشیده و طاء مهمله بروزن [illegible] اسم
طبیبی است انگلیسی انتامرجی فتح الف بنون زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و میم مفتوحه براء مهمله زده
و جیم عجمی مکسوره بیاء تحتانیه اسم طبیبی است فرانسه امری بکسر الف و میم مفتوحه و راء مهمله مکسوره بیاء
تحتانیه زده بروزن [illegible] اسم طبیبی است فرانسه ارتل بکسر الف براء مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره بلام
زده بروزن [illegible] اسم سرهنگیست از لشکر روس ایبل بکسر الف بیاء تحتانیه و باء موحده مکسوره بلام زده
بروزن [illegible] اسم مهندس افواج فرانسه است الیده بکسر الف بلام زده و یاء تحتانیه مفتوحه و ذال معجمه
مکسوره بهاء زده اسم همشیره امپراطور ناپلیون است اپالیت فتح الف و باء عجمی بالف کشیده و لام مکسوره بیاء

تحتانیه زده و تاء فوقانیه بر وزن بابل نشانیست که از ابریشم یا منقول نقره و طلا سازند و صاحب منصبان
نظام بر سر و شانه اندازند استی بکسر الف و سین مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره بیاء تحتانیه زده بر وزن
رشتی لقب خاندان حکام ولایت لابردیت آذاره بفتح الف و ذال معجمه با الف کشیده و راء مهمله مکسوره
بهاء زده بر وزن هزاره اسم وزیر مختار دولت پانیول است امپراطور بکسر الف و میم زده و باء عجمی مفتوحه و راء مهمله
با الف کشیده و طاء مهمله مضمومه بواو زده و راء مهمله بر وزن کشورآشوب بمعنی شاهنشاه است امپرس بکسر الف
و میم زده و باء عجمی مکسوره و راء مهمله مکسوره و سین مهمله زده بمعنی حرم شهنشاه است آتین یین بفتح الف و تاء فوقانیه
مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بر وزن زمین بین اسم امیر بیت انگلستان
انکسکی بفتح الف بکاف زده و سین مهمله مکسوره و کاف مکسوره بیاء تحتانیه زده نام سرتیپ از لشکر انگلیس است
اندرازی بفتح الف بنون زده و دال مهمله مکسوره و راء مهمله با الف کشیده و زاء معجمه بیاء تحتانیه زده سردار بیست
از فرانسه فصل دوم در بیان شرح احوال ممالک و بلاد و بحار و انهار و جبال و تلال آلتولش بمد الف و لام
ساکنه و تاء فوقانیه مضمومه بواو زده و لام مفتوحه و شین معجمه زده بر وزن آذر و کش کوهستانی است
از فرانسه هوائی خوش دارد و چشمهای گوارا از اطرافش روانست و مزارع بسیار از انهار مشروب میشود
آرسینی بمد الف و راء مهمله ساکنه و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و قاف مفتوحه و نون مکسوره
بیاء تحتانیه زده شهریست از ممالک سردینیه با لنگربندری نیک با تجار ترک و قلعه شهر بغایت مستحکمست
اهلش بی بضاعت و آبادیش بسیار کم است طول شهر قریب شش فرسخ و پنجاه و یک دقیقه و عرض شمالی

درجه است استریش بمد الف و سین مهمله ساکنه و تاء فوقانیه مکسوره و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه و شین معجمه
بهاء زده مملکتی است از ممالک جرمن مشتمل بر شش ایالت اول استریه دوم گالیسیه سیم طیرال چهارم
بوهیم پنجم کرن اتوریه ششم ... و محدود است از طرف شرقی بولایت تنغری و از جانب جنوب بممالک ایتالیا
و از طرف غربی بملک سویتزرلند و از جهت شمال بولایات سایه و بوریه و موراویه رودخانه ... که
منبعش جبال سویتزرلند است از وسط این ملک میگذرد و دو طرف و دو مرز وی با استریه علیا و سفلی
با استریه سفلی مشهور است و آنکه در سمت علیا شهر وینه و آنکه در طرف سفلی شهر لنتس ذات است این ملک را پنج
رودخانه معظم است اول دینوب دویم ... سیم ان چهارم ... پنجم ... و متاع عمده اش ... اسب و محصولات
شتوی و صیفی او بسی فراوان و ارزان اهلش بخوشخوئی و گشاده روئی و هوشیاری و آموزگاری و علوم
و صنف مملکت و کثرت لشکر و رعیت و اختراع صنایع مشهور جهانند و طالب ... اوان در ... حال
غریبان و نوازش مهمان اهتمام تمام دارند و تحفه ... اکرام را فرو نمیگذارند در سنه یکهزار و دویست
و بیست هجری امپراطور ممالک جرمن این ملک را با چند از مملکت که موسوم ... بقلیشیه و جزوی از ولایت
والیشه و بعضی از کشور سردینیه بقبضه خود اختیار نموده و دیگر ممالک و ولایات جرمن را بامراء خود قسمت فرموده
و باعث اینکار در موضع ذکر جرمن یاد کرده آید انشاء الله تعالی آرنج بمد الف و راء مهمله مفتوحه بنون زده و جیم
بر وزن نارنج شهریست از ملک فرانسه و بکنار رودخانه لور در صحرائی با صفا واقع است با تجار بسیار معمور و اهلش
بوفور مال و جاه مشهور بوده اکنون ویران و مردمش پریشان شده و در خارج شهر عمارتی موسوم به طاق نصرت

تحتانیه زده و تاء فوقانیه بروزن بابل شهری است که از ابریشم یا منسوج نقره و طلا سازند و صاحب منصبان
نظام بر سر و دوشها اندازند استی بکسر الف بسین مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن
رشتی لقب خاندان حکام ولایت لامبردیست آداره بفتح الف و دال مهمله بالف کشیده و راء مهمله مکسوره
بهاء زده بروزن هزاره اسم وزیر مختار دولت پاپا نولیست امپراطور بکسر الف بمیم زده و باء عجمی مفتوحه و راء مهمله
بالف کشیده و طاء مهمله مضمومه بواو زده و راء مهمله بروزن کشورآشوب یعنی شاهنشاه است امپرس بکسر الف
بمیم زده و باء عجمی مکسوره و راء مهمله مکسوره و سین مهمله زده یعنی حرم شهنشاه است آنتی جین بفتح الف و تاء فوقانیه
مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بروزن زمین بین اسم امیری است از مملکت ایتالیا
انکسکی بفتح الف بکاف زده و سین مهمله مکسوره و کاف مکسوره بیاء تحتانیه زده نام سرکرده از لشکر اسپانیا
اندرادی بفتح الف بنون زده و دال مهمله مکسوره و راء مهمله بالف کشیده و دال معجمه بیاء تحتانیه زده سرداری است

در فرانسه فصل دوم در بیان شرح احوال ممالک و بلاد و بحار و انهار و جبال و تلال آلتولش بمد الف و لام
ساکنه و تاء فوقانیه مضمومه بواو زده و لام مفتوحه و شین معجمه زده بروزن آذرکش کوهستانی است
از فرانسه هوائی خوش دارد و چشمهای گوارا از اطرافش روانست و مزارع بسیار از انهارش مشروب میشود
آرسیقنی بمد الف و راء مهمله ساکنه و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و قاف مفتوحه و نون مکسوره
بیاء تحتانیه زده شهری است از مملکت سردینیا که بندری است با تجارت و قلعه اش بغایت مستحکم است
اهلش بی بضاعت و آثارش بسیار کم است طول شهر فرنگ شصت و پنجاه و یک دقیقه و عرض ...

در

در جوار آستریه بمد الف و سین مهمله ساکنه و تاء فوقانیه مکسور و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه
بهاء زده مملکتی است از ممالک جرمن مشتمل بر شش ولایت اول استریه دوم کرنتیه سیم طیرال چهارم طرنت
پنجم کرن اولیه ششم برغزن و محدود است از طرف شرق بولایت هنغری و از جانب جنوب بممالک ایطالیا
و از طرف غربی بمملکت سویتزرلند و از جهت شمال بولایات بابیه و بوریه و موراویه رودخانه این که
منبعش جبال سویتزرلند است از وسط این ملک میگذرد و دو طرف دو مرز بومی با استریه علیا و دیگری
با استریه سفلی مشهور است دار الحکومه سمت علیا شهر وینه و دار الحکومه طرف سفلی شهر لنتز است این مملکت پنج
رودخانه معظم است اول دنوب دوم انز سیم این چهارم ... پنجم دریو متاع تجارتش زعفران و مصنوعات
شتوی و صیفی اهلش ... فراوان و ارزان اهلش بخوشخوئی و گشاده روئی و هوشیاری و آموزکاری و علوم(?)
و وسعت مملکت و کثرت لشکر و رعیت و اختراع صنایع مشهور جهانند و طالب سبقت اقران در اجلال
غریبان و نوازش مهمان اهتمام تمام دارند و دقیقه از نکات اکرام را فرو نمیگذارند و در سنه یکهزار و دویست
و بیست هجری امپراطور ممالک جرمن این ملک را با انگریز از مملکت لکه موسوم است بتعلیقه و جزوی از ولایت
وانیسه و بعضی از کشور سردینیه بخود اختیار نمود و دیگر ممالک و ولایات جرمن را باولاد خود قسمت فرمود
و باعث این کار در موضع ذکر جرمن یاد کرده آید انشاء الله تعالی آرنج بمد الف و راء مهمله مفتوحه بنون زده و جیم
بروزن نارنج شهری است از مملکت فرانسه و کنار رودخانه ... صحرائی با صفا و جهت ساختهای بسیار معمور و اهلش
بوفور مال و جاه مشهور بوده اکنون ویران و مردمش پریشان شده در خارج شهر عمارتی موسوم بطاق نصرت

از بناهای سلاطین قدیم یونان باقی مانده تفرجگاه اهل شهر است طول شرقی شهر چهار درجه و چهل دقیقه
و عرض شمالی چهل و چهار درجه و نه دقیقه است آتی اودین بمد الف و یای تحتانیه ساکنه و الف مفتوحه بواو
زده و نون مکسوره و یای تحتانیه مفتوحه بنون زده جزیره ایست از جزایر دریای جرمن طولش بیست و یک میل
و عرضش شانزده میل است آب و هوای خوشی دارد و ماکولات و محصولاتش بسیار است لکن جمعیتی ندارد
آسترلتز بمد الف و سین مهمله ساکنه و تای فوقانیه مفتوحه برای مهمله زده و لام مکسور بتای فوقانیه زده و ذال معجمه
شهریست از ولایت موراویه در جانب جنوب و مغرب شهر [illegible] واقع است و مسافت میان اینده و شهر
سی میل است در سنه یکهزار و دویست و بیست و یک هجری در حوالی اینجا لشکر فرانسه را با سپاه روس و آلمان
جنگی عظیم واقع شده ظفر لشکر فرانسه را بود آقزبرق بمد الف و قاف ساکنه و زای معجمه مکسور و بای موحده
مفتوحه برای مهمله زده و قاف شهریست از ممالک نمسه بمسافت سی میل بسمت شرق شهر وینه و آن
بغایت معمور است و حصارش باستواری مشهور اهالی اینجا غالبا صاحب کمال و مجمع صنایع اند و آب
و هوایش مناسب امزجه و طبایع است طول شرقیش هفت درجه و بیست و سه دقیقه و عرض شمالی یازده درجه و سی
و سه دقیقه است آگرچین بمد الف و کاف عجمی ساکنه و رای مهمله مفتوحه و جیم عجمی مکسوره بیای تحتانیه زده و نون
شهریست از مملکت نمسه علیا در ولایت [illegible] و مسافت دوازده میل بسمت شرق شهر [illegible] واقع شده
درین اوان چندان معمور نیست ولی آثار عمارات رفیعه و صوامع منیعه که از روزگار گذشته باقی
مانده عظمت اینشهر را دلیلی کافیست آورسیته بمد الف و واو مفتوحه برای مهمله زده و سین مهمله مکسور و تای فوقانی

مفتوحه بیای تحتانیه زده و دال مهمله شهریست از ممالک پروسیای غربی در تصرف دولت نمسه بود فردریک
بار دوم پادشاه پروسیا در سنه یکهزار و دویست و شصت اینشهر را متصرف گشت و در اوقات اقتدار
امپراطور ناپلیون مضاف دولت فرانسه شده و پس از اختلال حال امپراطور بقرار سابق بدولت نمسه
آنقلیه بمد الف و نون مکسوره بقاف زده و لام مکسور و یای تحتانیه مفتوحه بهاء زده شهریست در ساحل بحر
ایطالیا طول شرقی آن هفت درجه و پنجاه و هفت دقیقه و عرض شمالی چهل و سه درجه و پنجاه و شش دقیقه است
و در نزدیکی رودخانه اپنیل و مسافت پنجاه و پنج میل بجانب جنوب جنوا واقع است در سنه یکهزار و دویست
و شصت لشکر فرانسه بقهر و غلبه اینشهر را متصرف شدند و عجب عمارات آنرا آتش زدند آودونت بمد الف
و واو مکسوره بنون زده و تای فوقانیه شهریست از مملکت فرانسه طول شرقی آن پانزده درجه و سی و یک
دقیقه و عرض شمالی نه درجه و چهل و یک دقیقه است جمعیت آبادی اینشهر بحدیست که غالب بناها دو یا سه
مرتبه ساخته شده و جمیعا مسکونست با انواع متاع نفیس مشحون و صنایع ممتاز دارند خاصه مخمل
آنجا که نهایت امتیاز و دوام دارد و در اطرافش قراء و مزارع منظم و چشمه‌های آب خوشگوار و عمارات
کثیر و اشجار بسیار است آسیز بمد الف و سین مهمله مکسوره بیای تحتانیه زده و زای معجمه بوزن فائز
قریه ایست از فرانسه آرسیز بمد الف و رای مهمله ساکنه و سین مهمله مکسوره بیای تحتانیه زده و زای معجمه
بروزن مائز شهریست از فرانسه آیسیز بمد الف و یای تحتانیه ساکنه و سین مهمله مکسوره بیای تحتانیه زده
و زای معجمه بروزن جایگیر رودخانه ایست در فرانسه آلدزق بمد الف و لام ساکنه و دال مهمله مکسور

از بناهای سلاطین قدیم یونان باقی مانده تفرج گاه اهل شهر است طول شرقی شهر چهار درجه و چهل و نه دقیقه
و عرض شمالی چهل و چهار درجه و نه دقیقه است **آیادین** بالف و یاء تحتانیه ساکنه و الف مفتوحه و دال
زده و نون مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بنون زده جزیره ایست از جزایر دریای جرمن طولش بیست و یک میل
و عرضش شانزده میل است آب و هوای خوشی دارد و ماکولات و محصولاتش بسیار است ولکن جمعیتی ندارد
آسترلتز بالف و سین مهمله ساکنه و تاء فوقانیه مفتوحه براء مهمله زده و لام مکسور بتاء فوقانیه زده و زاء معجمه
شهریست از ولایت موراویه در جانب جنوب و مغرب شهر آلمتز و مسافت میان این دو شهر
سی میل است در سنه یکهزار و دویست و بیست و یک هجری در حوالی اینجا لشکر فرانسه را با سپاه روس و اتریش
جنگی عظیم واقع شده و ظفر لشکر فرانسه را بود **آقزبرق** بالف و قاف ساکنه و زاء معجمه مکسوره و باء موحده
مفتوحه براء مهمله زده و قاف شهریست از ممالک نمسه بمسافت سی میل بسمت مشرق شهر وینه واقع
بغایت معمور است و حصارش باستواری مشهور اهالی اینجا غالبا صاحب کمال و مخترع صنایع جدیده اند و آب
و هوایش مناسب امزجه و طبایع است طول شرقیش هفت درجه و بیست و سه دقیقه و عرض شمالی یازده درجه و سی
و سه دقیقه است **آگرچین** بالف و کاف عجمی ساکنه و راء مهمله مفتوحه و جیم عجمی مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون
شهریست از ممالک نمسه علیا در ولایت هرزرق بمسافت دوازده میل بسمت مشرق شهر و نیز واقع شده
در این اوان چندان معمور نیست ولی آثار عمارات رفیعه و صوامع منیعه که از روزگار گذشته باقی
مانده عظمت این شهر را دلیلی کافیست **آورستد** بالف و واو مفتوحه براء مهمله زده و سین مهمله مکسوره و تاء فوقانیه

مفتوحه بیاء تحتانیه زده و دال مهمله شهریست از ممالک پروسیای غربی در تصرف دولت نبود فردریک
یازدهم پادشاه پروسیا در سنه یکهزار و دویست و هشت این شهر را متصرف گشت و در اواخر اوقات اقتدار
امپراطور ناپلیون مضاف دولت فرانسه شد و پس از اختلال حال امپراطور بقرار سابق بدولت [illegible] رجوع
آنقلیه بالف و نون مکسوره بقاف زده و لام مکسور و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده شهریست در ساحل بحر
ایتالیا طول شرقی آن هفت درجه و پنجاه و هفت دقیقه و عرض شمالی چهل و سه درجه و پنجاه و شش دقیقه است
در نزدیکی رودخانه اسپرل(؟) و مسافت پنجاه و چهل بجانب جنوب جناوه واقع در سنه یکهزار و دویست
و هشت لشکر فرانسه بقهر و غلبه این شهر را متصرف شدند و اغلب عمارات از آتش زدند **آوونت** بالف
و واو مکسوره بنون زده و تاء فوقانیه شهریست از مملکت فرانسه طول شرقی آن پانزده درجه و سی و یک
دقیقه و عرض شمالی نه درجه و چهل و یک دقیقه است جمعیت آبادی این شهر بحدیست که غالب بناها دو یا سه
مرتبه ساخته شده و جمیعا مسکونست بازارها بانواع متاع نفیس مشحون و صنایع ممتاز دارند خاصه بلور(؟)
آنجا که نهایت امتیاز و دوام دارد و در اطرافش قرا و مزارع معظم و چشمه های آب چشکوار(؟) و باغات
کثیر الاشجار بسیار است **آسیز** بالف و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و زاء معجمه بوزن فائز
قریه ایست از فرانسه **آرسیز** بالف و راء مهمله ساکنه و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و زاء معجمه
بوزن مارگیر شهریست از فرانسه **آیسیز** بالف و یاء تحتانیه ساکنه و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده
و زاء معجمه بوزن جاگیر رودخانه ایست در فرانسه **آلدنرق** بالف و لام ساکنه و دال مهمله مکسوره

بنون زده و باء موحده مفتوحه براء مهمله زده و قاف شهریست از مملکت ونتالیه بمسافت بیست میل
بسمت جنوب و مشرق شهر وسلدارف و نیز وایفنگاه ولایتی است از ممالک جرمن حد شرقش
ولایت برمن و جنوبش ولایت من سطر و مغربش شهر فریزلند و شمالش بحر جرمن است و نیز اسم
شهریست از مملکت سقسان علیا در ولایت خولستین نزدیک بحر بالتک و بمسافت بیست و شش میل
بسمت شمال شهر لوبک و نیز آلمنه بمد الف و لام ساکنه و میم مکسوره بتاء فوقانیه زده و ذال
معجمه شهر دار الحکومه ولایت موراویه است طول شرقی آن هفده درجه و پانزده دقیقه و عرض شمالی
چهل و نه درجه و سی و سه دقیقه است بمسافت هشتاد میل بسمت شمال و مشرق شهر وینه و نود و هفت
میل بجانب جنوب شهر برسلو و نیز بسیار شهر محفوظی است زیرا که بعلاوه قلعه مستحکم رودخانه معظم نیز
بدینجا احاطه کرده و ازین روی اهلش از هجوم لشکر آسوده اند چنانچه در سنه یکهزار و ششصد و هفتاد و چهار
و در سنه یکهزار و دویست و چهار هجری پادشاه پروشا لشکر گران بجهة گشودن آنجا روان کرده فتحی میسر
نشد عماری که در این کرباشد در شهر نیست مگر مدرسه و مجلسی که از ابنیه قدیم باقیست مشاورت سلاطین
فرنگ در باب صلح و جنگ با امپراطور ناپلیون درینشهر و نیز شد آلتنه بمد الف و لام ساکنه و تاء فوقانیه
بالف کشیده و نون مکسور بهاء زده و بر وزن آستانه شهریست از مملکت پروشا آلتنباخ بمد الف و لام ساکنه
و تاء فوقانیه مکسوره بنون زده و باء عجمی بالف کشیده و تاء فوقانیه قریه ایست از فرنسه آدنیط بمد الف
و ذال معجمه مکسوره بیاء تحتانیه زده و طاء مهمله مفتوحه بواو زده شهریست از استاریه آلتکرچین بمد الف

و لام ساکنه و تاء فوقانیه مکسوره بنون زده و کاف مفتوحه براء مهمله زده و جیم عجمی مکسوره بیاء تحتانیه زده و
نون شهریست از مملکت جرمن در ولایت وستفالند دار الحکومه بلوک سین است و بمسافت پانزده
میل بسمت شمال و مشرق شهر کاپلنتز و نیز آدنرد بمد الف و دال مهمله مکسوره و نون مفتوحه
براء مهمله زده و دال مهمله بر وزن بادسرد شهریست از مملکت نذرلند در ولایت فلندرز رودخانه
چلد از وسط اینشهر میگذرد و در یکطرف رودخانه قلعچه دارد و دستگاه حرفت مشهورش ریسمان بافی است
در سنه یکهزار و صد و بیست و چهار لشکر فرانسه آنجا را محاصره نمود و بعد از چندی شکست یافته
[illegible] پنجاه و شش سال پس از آن محاصره کرده متصرف شدند و بعد از سه سال حسب المصالحه بدولت
نذرلند باز گذاشتند آلین بمد الف و لام مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بر وزن بالین شهریست
از مملکت ونتالیه در کنار رودخانه خارج و بمسافت سی و دو میل بجانب جنوب شهر آرنزبرق و نیز
لنگرخانه خوبی دارد آیسانذ بمد الف و یاء تحتانیه ساکنه و سین مهمله بالف کشیده و نون ساکنه و ذال
معجمه مضمومه بواو زده شهریست از مملکت جرمن آلیاولث بمد الف و لام مکسوره بیاء تحتانیه زده و
الف مفتوحه بواو زده و لام مکسوره و ثاء مثلثه زده شهریست از فرانسه آلثانه بمد الف و لام ساکنه
و ثاء مثلثه بالف کشیده و نون مکسوره بهاء زده و بر وزن آستانه قلعچه ایست از جرمن آستراد بمد الف
و سین مهمله و تاء فوقانیه مکسوره و راء مهمله بالف کشیده و دال مهمله شهری است از شهرهای سمت غربی
مملکت پروشا قلعه مستحکمی دارد و در کنار رودخانه دری تیزه و بمسافت چهل و شش میل بجانب جنوب و مشرق

بنون زده و بای موحده مفتوحه برای مهمله زده و قاف شهریست از مملکت ونتغالیه بمسافت بیست میل
بسمت جنوب و مشرق شهر دسلدارف واقعست والیقما ولایتی است از ممالک جرمن حد شرقش
ولایت برمن و جنوبش ولایت من سطر و مغربش شهر فریزلند و شمالش بحر جرمن است وجم
شهریست از مملکت سقسان جلیاد و ولایت هولستین نزدیک بحر بالتیک و بمسافت بیست و شش میل
بسمت شمال شهر لوبک واقعست آلتنه بمد الف و لام ساکنه و میم مکسوره بتای فوقانیه زده و دال
معجمه شهر دار الحکومه ولایت موراویه است طول شرقی آن هفده درجه و پانزده دقیقه و عرض شمالیش
چهل و نه درجه و سی و سه دقیقه است بمسافت هشتاد میل بسمت شمال و مشرق شهر وینه و نود و هفت
میل بجانب جنوب شهر برسلو واقعست بسیار شهر محفوظی است زیرا که بعلاوه قلعه مستحکم رودخانه معظم نیز
بدینجا احاطه کرده و ازین روی اهلش از هجوم لشکر آسوده اند چنانچه در سنه یکهزار و ششصد و هشتاد و چهار
و در سنه یکهزار و دویست و چهار هجری بادشاه پروشا لشکر گران بجهة کشودن انجا روان کرده فتحی میسر
نشد عمارتی که دیدنی گردد درین شهر نیست مگر مدرسه جیسی که از ابنیه قدیم باقیست مشاورت سلاطین
فرنگ درباب صلح و جنگ با امپراطور ناپلیون درین شهر واقعشد آلتانه بمد الف و لام ساکنه و تای فوقانیه
بالف کشیده و نون مکسوره بهای زده بر وزن آستانه شهریست از مملکت پروشا آلتنبات بمد الف و لام ساکنه
و تای فوقانیه مکسوره بنون زده و بای عجمی بالف کشیده و تای فوقانیه قریه است از نمسه آذیط بمد الف
و دال معجمه مکسوره بیای تحتانیه زده و طای مهمله مفتوحه بواو زده شهریست از استاریه آلتکرچین بمد الف

و لام ساکنه و تای فوقانیه مکسوره بنون زده و کاف مفتوحه برای مهمله زده و جیم عجمی مکسوره بیای تحتانیه زده و
و نون شهریست از مملکت جرمن در ولایت وستروالنه دار الحکومه بلوک سیگن است و بمسافت پانزده
میل بسمت شمال و مشرق شهر کابلنتس واقعست آدنرد بمد الف و دال مهمله مکسوره و نون مفتوحه
برای مهمله زده و دال مهمله بر وزن باوسرو شهریست از مملکت نذرلند در ولایت فلندرز رودخانه
شلد از وسط این شهر میگذرد و در یکطرف رودخانه قلعچه دارد و دستگاه حرفت مشهورش ریسمان بافی است
در سنه یکهزار و صد و بیست و چهار لشکر فرانسه انجا را محاصره نمود و بعد از چندی شکست یافته
ثانیا انجا را و شش سال پس از آن محاصره کرده متصرف شدند و بعد از سه سال حسب المصالحه بدولت
نذرلند باز گذاشتند آلین بمد الف و لام مکسوره بیای تحتانیه زده و نون بر وزن بالین شهریست
از مملکت ونتغالیه در کنار رودخانه لیپ و بمسافت سی و دو میل بجانب جنوب شهر اوزنبرق واقعست
لنگرخانه خوبی دارد آیساند بمد الف و یای تحتانیه ساکنه و سین مهمله بالف کشیده و نون ساکنه و دال
معجمه مضمومه بواو زده شهریست از مملکت جرمن آلی آوث بمد الف و لام مکسوره بیای تحتانیه زده
و الف مفتوحه بواو زده و لام مکسوره بثای مثلثه زده شهریست از فرانسه آلثانه بمد الف و لام ساکنه
و ثای مثلثه بالف کشیده و نون مکسوره بهای زده بر وزن آستانه قلعچه ایست از جرمن آستراد بمد الف
و سین مهمله و تای فوقانیه مکسوره و رای مهمله بالف کشیده و دال مهمله شهری است از شهرهای سمت غربی
مملکت پروشا قلعه مستحکمی دارد در کنار رودخانه ویستره و بمسافت چهل و شش میل بجانب جنوب و مشرق

شهر مزبور شرق واقعست ایضاً شهریست از ولایت سقنان علی در بلوک قزوین چمن در کنار رودخانه سل
و بمسافت بیست میل بسمت شمال مشرق شهر قاطنجین واقعست عمارت خوش انباریست که بجهة چوب
ساخته اند ماهوت اینجا در نهایت امتیاز است **آقه** بمد الف و قاف مفتوحه و تای مثلثه مکسور بها
زده کوهیست در مملکت ایطالیا از انجا که از انکه معتبر کر است آنرا اقه گویند چه سخت معنی
مبرکست **آستراتو** بمد الف و سین مهمله ساکنه و تای فوقانیه مکسوره و را مهمله بالف کشیده و نون مفتوحه با
زده شهریست از مملکت روس **آرده** بمد الف و را مهمله ساکنه و ذال معجمه مکسوره بها زده اسم شهریست
از مملکت لاتون **آتون** بمد الف و تای فوقانیه مضمومه بواو زده و نون بروزن هامون شهریست از فرانسه
آقرانی بمد الف و قاف ساکنه و زای معجمه بالف کشیده و نون مکسوره بیای تحتانیه زده بروزن کامرانی
شهریست از فرانسه **آرمیه** بمد الف و را مهمله ساکنه و میم مکسور و یای تحتانیه مفتوحه بها زده شهریست از
مملکت پدمونت در کنار رود تنرو و بمسافت دوازده میل بجانب جنوب شهر ماندوی واقعست **آدیان**
بمد الف و دال مهمله مکسوره و یای تحتانیه بالف کشیده و نون بروزن بادیان کوچه ایست در شهر پاریس
آپوریه بمد الف و یای تحتانیه ساکنه و واو مکسوره و را مهمله مکسوره و یای تحتانیه مفتوحه بها زده شهریست
از مملکت پدمونت طول شرقی ان هفت درجه و چهل و هشت دقیقه و عرض شمالی چهل و پنج درجه و بیست
و سه دقیقه است اینجا در میان دو کوه و بمسافت بیست میل بسمت شمال شهر تورین و سی و دو میل
بطرف شرقی شهر سوسه واقع و مشتمل بر سه قلعه است گویند کلیسای بزرگ این شهر مقام آپالو نامی است

بارو

کوبت پرستان قدیم او را رب الارباب و سبب الاسباب میدانستند **آقلیو** بمد الف
و قاف ساکنه و لام مکسوره و یای تحتانیه مضمومه بواو زده رودخانه ایست در ایطالیا از کوهستان مملکت
جرمن و از حدود بلوک فنت بر بحیره و در نشو بر رودخانه پو میریزد **ابتغال** بفتح الف و با موحده
مکسوره و دال مهمله مضمومه و عین مهمله بالف کشیده و لام شهریست از فرنس **ابوکر** بفتح الف و بای
موحده مضمومه بواو زده و کاف مفتوحه برا مهمله زده بندریست از مملکت مصر طول شرقی ان سی و یک درجه
و بیست و سه دقیقه است و عرض شمالی سی و یک درجه و بیست دقیقه در سمت غربی شهر رشید و کنار رود
نیل واقعست در جانب جنوب بندر مزبور بمسافت دو میل قلعه خوبی هست که اسمعه واقعه جهازات
بدانجا نقل میشود و اوقاتیکه ناپلیون از جانب دولت جمهوری فرانسه بتسخیر مصر مامور بود لارد نلسن
سردار سپاه انگلیس جهازات جنگی فرانسه را در حوالی این بندر بضرب توپ خراب و غرق
آب نمود **ابرزه دارف** بفتح الف بیای موحده زده و را مهمله مکسوره بزای معجمه زده و دال مهمله بالف کشیده
و را مهمله ساکنه و فا شهریست از ایطالیا **ابروده** بکسر الف بیای موحده زده و را مهمله مضمومه بواو زده
و دال معجمه مکسوره بها زده ولایتیست از مملکت سیسیل محدود است از طرف شرق بولایت تیتن
و از جانب جنوب بملک تردیوالترا و از دو سمت دیگر بولایت اگلند رودخانه پسکاره از وسط
این ولایت میگذرد یکطرف او مرقوم بالتره و جانب دیگر بسیتره موسوم است متاعش غله است
و برنج و اقسام میوه و زعفران و در جنگلش شیر و پلنگ و خرس و گرگ بسیار است **ابرزه** بکسر الف

شهر مزبور شرق واقعست ایقا شهریست از ولایت تغسان علیا در بلوک قزوین عجمن در کنار رود خانه سل
و بمسافت بیست میل بسمت شمال مشرق شهر قالقجین واقعست عمارت خوش اینجا ایست که بجهه حرب
ساخته اند ماهوت اینجا در نهایت امتیاز است آقه بمد الف وقاف مفتوحه و ها مشدده مکسوره بها
زده کوهیست در مملکت ایطالیا از انجا که از آنکه معتبر کوهست آنرا اغته آقه گویند چه بسنت معنی
متبرک است آستیرانو بمد الف وسین مهمله ساکنه و تاء فوقانیه مکسوره و را مهمله بالف کشیده و نون مفتوحه بوا
زده شهریست از مملکت روس آرذه بمد الف و را مهمله ساکنه و ذال معجمه مکسوره بها زده اسم شهریست
از مملکت آتون بمد الف و تاء فوقانیه مضمومه بواو زده و نون بروزن خاتون شهریست از فرانس
آقرانی بمد الف و قاف ساکنه و را معجمه بالف کشیده و نون مکسوره بیاء تحتانیه زده بروزن کامرانی
شهریست از فرانس آرمیه بمد الف و را مهمله ساکنه و میم مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بها زده شهریست از
مملکت پیه‌مونت در کنار رود تنره و بمسافت دوازده میل بجانب جنوب شهر ماداوی واقعست آدیان
بمد الف و دال مهمله مکسوره و یاء تحتانیه بالف کشیده و نون بروزن بادیان کوهیست در شهر پاریس
آیوریه بمد الف و یاء تحتانیه ساکنه و واو مکسوره و را مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بها زده شهریست
از مملکت پیه‌مونت طول شرقی آن هفت درجه و چهل و هشت دقیقه و عرض شمالی چهل و پنج درجه و بیست
و سه دقیقه است اینجا در میان دو کوه و بمسافت بیست میل بسمت شمال شهر تورین وسی و دو میل
بطرف شرقی شهر شوسه واقع و مشتمل بر سه قلعه است گویند کلیسای بزرگ این شهر مقام اپالو نامی است

بار

که بت پرستان قدیم او را رب الارباب و مسبب الاسباب میدانستند آقلیو بمد الف
و قاف ساکنه و لام مکسوره و یاء تحتانیه مضمومه بواو زده رود خانه ایست در ایطالیا از کوهستان ممالک
جرمن و از حدود بلوک تیتس بر میخیزد و در شستو برود خانه پو میریزد ابدغال بفتح الف و با موحده
مکسوره و دال مهمله مضمومه و عین مهمله بالف کشیده و لام شهریست از فرنس ابوکر بفتح الف و با
موحده مضمومه بواو زده و کاف مفتوحه برا مهمله زده بندریست از ملک مصر طول شرقی آن سی و یک درجه
و بیست و سه دقیقه است و عرض شمالی سی و یک درجه و بیست دقیقه در سمت غربی شهر رازته و کنار رود
نیل واقعست در جانب جنوب بندر مزبور بمسافت سه میل قلعه خوبی هست که امتعه و اقمشه جهازات
بدانجا نقل میشود و اوقاتیکه ناپلیون از جانب دولت جمهوریه فرانسه به تسخیر مصر مامور بود لارد نلسان
سردار سپاه انگلیس جهازات جنگی فرانسه را در حوالی این بندر بضرب توپ خراب و غرق
آب نمود ابرزدارف بفتح الف بباء موحده زده و را مهمله مکسوره بزا معجمه زده و دال مهمله بالف کشیده
و را مهمله ساکنه و فا شهریست از ایطالیا ابروده بکسر الف بباء موحده زده و را مهمله مضمومه بواو زده
و دال معجمه مکسوره بها زده ولایتیست از مملکت نپل محدود است از طرف شرق بولایت [illegible]
و از جانب جنوب بملک تردیلاوو و از دو سمت دیگر بولایت انکانه و رود خانه پسکاره از وسط
این ولایت میگذرد و یکطرف موسوم باُلتره و جانب دیگر بسیتره موسوم است متاعش غله است
و برنج و اقسام میوه و زعفران و در جنگلش شیر و پلنگ و خرس و گرگ بسیار است ابروه بکسر الف

بیاء موحده زده و راء مهمله مضمومه بواو زده برونن دلجوره رودخانه ایست در ملک اسپانیول آبو بفتح
الف و باء موحده مفتوحه بواو زده بندریست از مملکت سوودین در ولایت فینلند و کنار رودخانه آوره و بمسافت
یکصد و هشتاد میل بسمت شمال و مشرق شهر ستاکهلم که دار الملک مملکت سوودین است واقع طول
شرقیش بیست و دو درجه و سیزده دقیقه و عرض شمالی شصت درجه و بیست و هفت دقیقه است قلعه رفیع
و مدرسه وسیع دارد و خانهایش غالبا از سنگ ساخته شده و بغایت محکم است و خانه آجری بسیار کمست
متاعش کرباس است و تنباکو و موم و آهن و چوب کشتی سازی اهلش را ده هزار شمار کرده اند در سنه
یکهزار و دویست و بیست و شش بندر مزبور بتصرف دولت روس در آمد اپرنی بکسر الف و باء عجمی مفتوحه
براء مهمله زده و نون مکسوره بیاء تحتانیه زده شهریست از فرانسه در بلوک شمپنی و بمسافت هفده میل بسمت
شمال و مغرب شهر چالون واقعست انگورش بخوبی مشهور است در سنه یکهزار و دویست و هشت هنری
چهارم پادشاه انگلیس اینجا را متصرف شد گویند در روز جنگ دست شاه بر دوش مرشل بران بود
ناگاه گلوله بر مقتل مرشل خورده در دم جان سپرد و سلطان را تغییری در حالت روی ننمود آپالده بفتح
الف و باء عجمی بالف کشیده و لام ساکنه و دال مهمله مکسوره بهاء زده شهریست از ملک سقسان ویمار
در بلوک تورنقیه و بمسافت شش میل بسمت شمال شهر جنه و چهل میل بجانب جنوب و مغرب
شهر لیپزیک واقع است اپنین بفتح الف و باء عجمی مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون مکسوره بیاء تحتانیه
زده و نون رشته کوهستانیست ابتدایش از نزدیکی ولایت انقلیا است بر خلیج مملکت جناوه احاطت

نموده

شورای ملی

نموده و بسمت مشرق تا اواسط ملک ایطالیا رفته اغلب مزارع آن ملک از چشمهائی که ازین کوه
بر خواسته مشروب میشود و بعضی ولایات پر بیه و تپل نیز از آن آبها بهره یاب میگردد و این کوه
در غالب امکنه بقدر پنجهزار پای آدمی مرتفع است اتاچیز بکسر الف و تاء فوقانیه بالف کشیده و جیم
عجمی مکسوره بیاء تحتانیه زده و زاء معجمه قریه ایست از فرانسه اتین بفتح الف و تاء مشدده بیاء تحتانیه زده
و نون شهر معظمیست از یونان بمسافت شصت میل بسمت مشرق شهر کارنت واقع طول شرقی
آن بیست و چهار درجه و پنجاه و دو دقیقه و عرض شمالی سی و هفت درجه و پنجاه و هشت دقیقه است در ایام
قدیم دار الملک ولایت اتیکه بوده و درین هنگام از شهرهای سمت فرنگستان روم محسوب
میشود و دار الملک ولایت لیوادیه است و جمیع یونانیان در تصرف اهالی وینش بوده و بتغییر
ایام در سپرده زمانی سلطانی در آنجا حکمرانی مینمود تا در سنه یکهزار و صد و چهار هجری رومیان آنجا را متصرف گردیده
اکنون آبادی سابق نیست ولی آثاری که از قصور و عمارات قدیم خاصه کنیسه که بثسیف پادشاه یونان
یکهزار و شصت و چهار سال قبل از هجرت ساخته باقیست بعضا از شهر دلسیه کافیست هر که آن را
بنظر دقت ببیند خواهد دانست که صنعت پیشگان قدیم تا چه حد دانا و در اختراع انواع بدایع توانا بوده اند
ارک این شهر در قله کوهی واقعست بسیار محکم و خوب و همه شهر سرکوب است سه ربع اهلش عیسوی
مذهب اند و کسری اهل سنت و جماعت متاعش ابریشم است و موم و روغن و پشم اجکسو بفتح الف
و جیم مفتوحه بکاف زده و سین مهمله مضمومه بواو زده بر وزن ارطو بندریست از جزیره کارسیکه

بیا موحده زده و را مهمله مضمومه بواو زده برونت و بجوره و خانه ایست در مملکت اسپانیول آبو بفتح
الف و با موحده مفتوحه بواو زده بندریست از مملکت سودین در ولایت فینلند و کنار رودخانه آوورا و بمسافت
یکصد و هشتاد میل بسمت شمال و مشرق شهر استکهلم که دارالملک مملکت سودین است واقعست طول
شرقی آن بیست و دو درجه و سیزده دقیقه و عرض شمالی شصت درجه و بیست و هفت دقیقه است قلعه رفیع
و مدرسه وسیع دارد و خانهایش غالبا از سنگ ساخته شده و بغایت محکم است و خانه آجری بسیار کم
متاعش کرباس است و تنباکو و موم و آهن و چوب کشتی سازی اهلش را ده هزار شمار کرده اند در سنه
یکهزار و دویست و بیست و شش بندر مزبور بتصرف دولت روس درآمد اپرنی بکسر الف و بای عجمی مفتوحه
را مهمله زده و نون مکسوره بیای تحتانیه زده شهریست از فرانسه در بلوک مرنی و بمسافت هفده میل بسمت
شمال و مغرب شهر چلان واقعست انگور این شهر بخوبی مشهور است در سنه یکهزار و دویست و هشت هنری
چهارم پادشاه انگلیس اینجا را متصرف شد گویند در روز جنگ دست شاه بر دوش مرشل بران بود
ناگاه گلوله تفنگ بمرشل خورده در دم جان سپرد و سلطان را تغییری در حالت روی ننمود اپالدی بفتح
الف و بای عجمی بالف کشیده و لام ساکنه و دال مهمله مکسوره بیاء زده شهریست از مملکت سقسان واقع
در بلوک تورنقیه و بمسافت شش میل بسمت شمال شهر جنه و چهل میل بجانب جنوب و مغرب
شهر لیپزیک واقع است اپینین بفتح الف و بای عجمی مکسوره بیای تحتانیه زده و نون مکسوره بیای تحتانیه
زده و نون رشته کوهستانیست ابتدایش از نزدیکی ولایت انتقیا است بر خلیج مملکت جنوا و احاطه

نموده و بسمت مشرق تا اواسط مملکت ایطالیا رفته اغلب مزارع آن مملکت از چشمهائی که از این کوه
برخواسته مشروب میشود و بعضی ولایات پرمه و نیپل نیز از آن آبها بهره یاب میگردد و این کوه
در غالب امکنه بقدر پنجهزار پای آدمی مرتفعست اتاچیز بکسر الف و تای فوقانیه بالف کشیده و جیم
عجمی مکسوره بیای تحتانیه زده و زای معجمه قریه ایست از فرانسه اثین بفتح الف و ثای مثلثه بیای تحتانیه زده
و نون شهر معظمیست از یونان بمسافت شصت میل بسمت مشرق شهر کارنث واقعست طول شرقی
آن بیست و پنج درجه و پنجاه و دو دقیقه و عرض شمالی سی و هفت درجه و پنجاه و هشت دقیقه است در ایام
قدیم دارالحکومه ولایت آتیکه بوده و درین جزو زمان از شهرهای سمت فرنگستان روم محسوب
میشود و دارالملک ولایت لیوادیا است در عهد یونانیان در تصرف اهالی وینس بوده و بتغییر
ایام در هر زمانی سلطانی در انجا حکمرانی مینمود تا در سنه یکهزار و صد و چهار هجری رومیان انجا را مسخر کرده
اکنون بآبادی سابق نیست ولی آثاری که از قصور و عمارات قدیم خاصه کنیسه که ثیسیس پادشاه یونان در
یکهزار و شصت و چهار سال قبل از هجرت ساخته باقیست بعظمت این شهر دلیلی کافیست و هر که آن آثار را
بنظر دقت ببیند خواهد دانست که صنعت پیشگان قدیم تا چه حد دانا و در اختراع انواع بدایع توانا بوده اند
ارک این شهر در قله کوهی واقعست بسیار محکم و خوب و همه شهر کوبست سه ربع اهلش عیسوی
مذهب اند و یکربع اهل سنت و جماعت متاعش ابریشم است و موم و روغن و پشم اجکسو بفتح الف
و جیم مفتوحه بکاف زده و سین مهمله مضمومه بواو زده و بروزن ارسطو بندریست از جزیره کارسیکه

دار الحکومه بلوک لیمون و بسمت مشرق و جنوب بندر تولان واقعست طول شرقی آن شش درجه و
دقیقه و عرض شمالی چهل و یکدرجه و پنجاه و شش دقیقه است اجیلط بفتح الف بجیم زده و لام مکسور بیاء تحتانیه
زده و طاء مهمله بروزن تفریط اسم کوهیست نزدیک بندر تولان آوده بفتح الف و دال مشدده
مکسوره بهاء زده بروزن جبده رودخانه ایست در مملکت سویشتر لند در حوالی شهر کرمانیه از کوهستان
بلوک قرنیسان بر میخیزد و بولایت والتلاین گذشته برودخانه پو میریزد آدریاتک بفتح الف بدال
مهمله زده و راء مهمله مکسوره و الف مفتوحه و تاء فوقانیه مفتوحه بکاف زده بروزن بدر فلک اسم دریائی
است در فرنگستان آدیج بفتح الف و دال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و جیم بروزن عزیز اسم رودخانه ایست
منبع آن ولایت قرنیا مذاست بولایت طیرال و در انه میکند و بمسافت پانزده میل بسمت شمال
رودخانه پو داخل خلیج ونیز میشود آدور بفتح الف و دال مهمله مفتوحه بواو زده و راء مهمله رودخانه ایست
در فرانسه منبعش ولایت آپرپیز است و مرکش الایات ونقش وترنیز در حوالی شهر بیانی بدریای بسکی
داخل میشود و باذال معجمه رودخانه ایست در اسپانیول آدرج بفتح الف و دال مهمله مکسوره بجیم زده اسم
رودخانه ایست در مملکت ایطالیا آرکاله بفتح الف براء مهمله زده و کاف بالف کشیده و لام مکسوره ب
بهاء زده بروزن برساله نام شهریست در ایطالیا آردن بفتح الف براء مهمله زده و دال مهمله بالف کشیده
و نون بروزن مردان قریه ایست از فرانسه آرشیت بفتح الف براء مهمله زده و شاء مشدده مکسوره بیاء
تحتانیه زده و تاء مشدده بروزن تبریز شهریست از فرانسه آرلین بفتح الف براء مهمله زده و لام مکسوره بیاء

تحتانیه

تحتانیه زده و نون بروزن قرین شهریست از فرانسه بمسافت سی میل بسمت شمال و مشرق شهر قا
و هفت میل بجانب جنوب و مغرب شهر پاریس واقعست طول شرقی آن یکدرجه و چهل و نه دقیقه است و عرض
شمالی چهل و هفت درجه و پنجاه و چهار دقیقه رودخانه لار از قطار شهر میگذرد و از دو مرز بجهت عبور
نهری با رودخانه لامبق گذرد یک شهر ما نثر چندانست حفر کرده اند و امتعه این دو شهر را از آن نهر میگذرانند
میبرند این شهر سابق پای تخت و دار الملک سلاطین فرانسه بود و پس از آن چندی از آبادی افتاده و اکنون بنا
رو بآبادی نهاده و یکی از بلاد معظم فرانسه محسوب میشود و متاعش مرغوب و پوست و برنج و میوه و شراب و شکر
و غلات و جنگل که در نزدیکی اینجاست بکانی خوش آب و هوا و گل و درختان با صفا و چوبهای کرنجات
آدرس بفتح الف و راء مهمله مفتوحه بسین مهمله زده بروزن فرس شهریست از فرانسه در کنار رودخانه
و بمسافت بیست و دو میل بسمت مغرب و شمال شهر گبری واقعست طول شرقی آن دو درجه و چهل
شش دقیقه است و عرض شمالی پنجاه درجه و هفده دقیقه است این شهر دار الحکومه بلوک کلیس است و بدو قسمت
منقسم شده یکی را از بنی قدیم و دیگری را از بس جدید بنا نهاده اند طرح میدان تیمور در وسط شهر انداخته عمارات
رفیع و باغات وسیع در اطرافش ساخته اند و اهل شهر و قبیل حصار برسم تفرج بدان اماکن میروند آربرج
بکسر الف براء مهمله زده و جیم مکسوره بباء موحده مفتوحه براء مهمله زده و جیم کوهستانیست از نواحی ولایت
آدرق بکسر الف براء مهمله زده و فاء مفتوحه براء مهمله بروزن شهریست از پروس آرجین بفتح الف
براء مهمله زده و لام مکسوره و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بروزن نشین جزیره ایست از ولایت

دار الحکومه بلوک لیمون و بسمت مشرق و جنوب بندر تولان واقعست طول شرقی آن شش درجه و
دقیقه و عرض شمالی چهل و یکدرجه و پنجاه و شش دقیقه است آجیلو بفتح الف بجیم زده و لام مکسور بیای تحتانیه
زده و طاء مهمله بروزن تفریط اسم کوهیست نزدیک بندر تولان آده بفتح الف و دال مشدده
مکسوره بهاء زده بروزن جیده رودخانه ایست در مملکت بوشنه زلند در حوالی شهر کرمایه از کوهستان
بلوک قرنیسان برمیخیزد و بولایت والقلاین گذشته برودخانه پو میریزد آدرانگ بفتح الف بدال
مهمله زده و راء مهمله مکسوره و الف مفتوحه و تاء فوقانیه مفتوحه بکاف زده بروزن بدر فلک اسم دریائی
است در انگلستان آدیج بفتح الف و دال مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و جیم بروزن عزیز اسم رودخانه ایست
منبع آن ولایت قرنیاند است بولایت طیرال در آمده میگذرد و بمسافت پانزده میل بسمت شمال
رودخانه پو داخل خلیج و نشیه میشود آدور بفتح الف و دال مهمله مفتوحه بواو زده و راء مهمله رودخانه ایست
در فرانسه منبعش ولایت آپرنیزاست و مرسش الایالت وقش در تربیز در حوالی شهر بیانی بدریای بسکی
داخل میشود و باذال معجمه رودخانه ایست در اسپانیول آدرج بفتح الف و دال مهمله مکسوره بجیم زده اسم
رودخانه ایست در مملکت ایطالیا آنکالا بفتح الف براء مهمله زده و کاف بالف کشیده و لام مکسور
بهاء زده بروزن رساله نام قصبه ایست در ایطالیا آردن بفتح الف براء مهمله زده و دال مهمله بالف کشیده
و نون بروزن مردان قریه ایست از فرانسه آرشیت بفتح الف براء مهمله زده و تاء مشدده مکسوره بیاء
تحتانیه زده و تاء مشدده بروزن تبریز شهریست از فرانسه آرلین بفتح الف براء مهمله زده و لام مکسوره بیا

تحتانیه زده و نون بروزن فرزین شهریست از فرانسه بمسافت سی میل بسمت شمال و مشرق شهر [illegible]
و شصت میل بجانب جنوب و مغرب شهر پاریس واقعست طول شرقی آن یکدرجه و چهل و پنج دقیقه است و عرض
شمالی چهل و هفت درجه و پنجاه و چهار دقیقه رودخانه لایر از اطراف شهر میگذرد و از رودخانه مزبور بجهت عبور
نهری با رودخانه لاین که نزدیک شهر ماتر جند است حفر کرده اند و اسمعیلین دو شهر را از آن نهر میگذرند
میبرند این شهر سابق بر این پایه دار الملک سلاطین فرانسه بود و پس از آن چندی از آبادی افتاده اکنون باز
رو بآبادی نهاده و یکی از بلاد معظم فرانسه محسوب میشود متاعش چرم و راب و پوست و برنجی و شراب و شکر
و غلات و جنگلی که در نزدیکی اینجاست مکانی خوش آب و هوا و مشحون به درختان با صفا و چوبهای گرانبها
آدرس بفتح الف و راء مهمله مفتوحه بسین مهمله زده بروزن فرس شهریست از فرانسه در کنار رودخانه سگرب
و بمسافت بیست و دو میل بسمت مغرب و شمال شهر گبری واقعست طول شرقی آن دو درجه و چهل و
شش دقیقه است عرض شمالی پنج درجه و هفده دقیقه است این شهر دار الحکومه بلوک کلمس است و بدو قسمت
منقسم شده یکی را ابرین قدیم و دیگری را ارس جدید مینامند طرح میدان بزرگی در وسط شهر انداخته عمارات
رفیع و باغات وسیع در اطرافش ساخته اند و اهل شهر در فصل بهار برسم تفرج بدان اماکن میروند آزبرج
بکسر الف براء مهمله زده و جیم مکسوره با باء موحده مفتوحه براء مهمله زده و جیم کوهستانیست از نواحی ولایت توجیه
آزفر بکسر الف براء مهمله زده و فاء مفتوحه براء مهمله بروزن لشکر شهریست از پروس آرجمین بفتح الف
براء مهمله زده و لام مکسوره و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بروزن نشین جزیره ایست از ولایت رین

ارن ستین بفتح الف و را مهمله زده و نون ساکنه و سین مهمله مکسوره و تاء فوقانیه مفتوحه و بیاء تحتانیه زده
و نون شهریست از فرنگستانیه که یکی از ممالک جرمن است و در کنار رودخانه ورین و بمسافت ده میل
بجانب جنوب و مغرب شهر شفرت واقع است این شهر حصار استواری دارد **ارگول** بفتح الف و را مهمله زده
و کاف مضمومه بواو زده و لام بروزن مرسول قریه ایست در ولایت سویه از فرش جل و گل و بدین سبب آمد
شد مردم بغایت مشکل است **اروپا** بضم الف و را مهمله مضمومه بواو زده و باء عجمی بالف کشیده مجموع ممالک
فرنگستان را گویند و ازا یوروپ نیز گفته اند **ارچباد** بفتح الف و را مهمله زده و جیم عجمی چ که و باء موحده بالف
کشیده و دال مهمله کلیسائیست در فرانسه **ارکه** بفتح الف و را مهمله زده و کاف مکسوره بهاء زده بروزن جرگه
شهریست از ممالک جرمن در بلوک خیرال و کنار رودخانه بیلگه و بمسافت یازده میل بجانب جنوب و مغرب شهر
طرفت واقع در سنه یکهزار و صد و نوزده لشکر فرانسه اینجا را گرفته از اینجا که قدرت خطا از آن برگشته
بفاصله اندک به دولت جرمن باز گذاشتند **اردویان** بفتح الف و را مهمله زده و دال مهمله مضمومه بواو زده و یاء
تحتانیه بالف کشیده و نون بروزن مهرویان قلعه مستحکمی است در فرانسه **ارگته** بفتح الف و را مهمله زده و کاف
مفتوحه بتاء فوقانیه مشدده زده و تاء بروزن ملکه شهریست از مملکت استاریه **اربیل** بفتح الف و را مهمله زده
و باء مکسوره و بیاء تحتانیه زده و لام بروزن ذلیل شهریست از بلاد دیار بکر **ارکال** بفتح الف و را مهمله زده
و کاف بالف کشیده و لام بروزن غربال شهریست از ولایت خیرال که یکی از ولایات مملکت جرمن است
ارفرت بکسر الف و را مهمله زده و فاء مفتوحه براء مهمله زده و تاء فوقانیه بروزن لسرد شهریست از ولایت

سقسان

سقسان علیا دار الحکومه بلوک تورنجیا است در کنار رودخانه سره و بمسافت پنجاه و شش میل بسمت مشرق
و جنوب شهر لیپزیگ واقع طول شرقی آن یازده درجه و نه دقیقه و عرض شمالی پانزده درجه و دو
دقیقه است و قلعه محکم دارد و یک مدرسه معظم که مشهور است بر سه کتابخانه یکی وقف خلفای مذهب پروتستنت
است و دیگری وقف خلفای مذهب رومن کاتلیک و آنکه وقف عموم طلاب علوم و این شهر
در سنه یکهزار و صد و پنجاه و یک آتش گرفت و یکصد و هشتاد خانه و چندین کلیسا سوخت و در سنه یکهزار و
دویست و بیست و دو لشکر فرانسه این شهر را مسخر کردند ساکنین این بلد پانزده هزار بشمار آمده اند **ارژیر**
بکسر الف و را مهمله زده و جیم مکسوره و باء موحده مفتوحه براء مهمله زده و کوهستانیست که سعر فرانسه و منزلت
و بسیار راه سخت و ناهموار است **اسباک** بکسر الف و سین مهمله زده و باء موحده مفتوحه و کاف مکسوره بهاء
ولایتیست از فرانسه در اوقات ضعف و فتور دولت فرانسه این ولایت در تصرف دولت مذبور بود بعد از
استیلای امپراطور ناپلیون لشکر فرانسه استرداد نمود **اسکندریه** بکسر الف و سین مهمله مفتوحه بنون زده و
دال مهمله مفتوحه و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مشدده مکسوره بهاء زده شهریست از ایطالیا طول شرقی آن
هفت درجه و سی و هشت دقیقه و عرض شمالی چهل و چهار درجه و پنجاه و سه دقیقه است این شهر در ولایت ملانش
و کنار رودخانه تنرو و بمسافت چهل میل بسمت مشرق شهر تورین و پنجاه میل بجانب جنوب و مغرب
شهر میلان که دار الملک ایطالیاست واقع است و اینجا دار الحکومه بلوک مارنقو است و با وجود آنکه قلعه
دارد که محکمی دارد چندین نوبت مسخر لشکر فرانسه شد اهل اینجا را دوازده هزار نفر شمرده اند **استاریه**

ارن‌ستین بفتح الف و را مهمله زده و نون ساکنه و سین مهمله مکسوره و تاء فوقانیه مفتوحه و یاء تحتانیه زده
و نون شهریست از فرنگستان که یکی از ممالک جرمن است و در کنار رودخانه ورن و بمسافت … میل
بجانب جنوب و مغرب شهر شوترت واقعست اینشهر حصار استواری دارد **ارکول** بفتح الف و را مهمله
و کاف مضمومه بواو زده و لام بروزن مرسول قریه ایست در ولایت … از فرانس … و در بین سبب آنکه
شده مردم بغایت مشکل است **اروپا** بضم الف و را مهمله مضمومه بواو زده و باء عجمی بالف کشیده مجموع مملکت
فرنگستان را گویند و از اروپ نیز گفته اند **ارچیا** بفتح الف و را مهمله زده و جیم عجمی که با یاء موحده بالف
کشیده و دال مهمله که جایست … **ارکه** بفتح الف و را مهمله زده و کاف مکسوره بهاء زده بروزن جرگه
شهریست از ممالک جرمن در بلوک … و کنار رودخانه … و بمسافت یازده میل بجانب جنوب و مغرب شهر
طرنت واقعست در سنه یکهزار و صد و نود و … لشکر فرانسه اینجا را گرفته از آنجا که قدرت … طلا از آن شهر
بفاصله اندک بدولت جرمن باز گذاشتند **اردوبان** بفتح الف و را مهمله زده و دال مهمله مضمومه بواو زده و باء
تحتانیه بالف کشیده و نون بروزن مهربان قلعه مستحکمی است در فرانس **ارگته** بفتح الف و را مهمله زده و کاف
مفتوحه و تاء فوقانیه مشدد و زده و ها بروزن کلکته شهریست از ممالک … **اربیل** بفتح الف و را مهمله زده
و باء مکسوره و یاء تحتانیه زده و لام بروزن … شهریست از بلاد … **ارکال** بفتح الف و را مهمله زده
و کاف بالف کشیده و لام بروزن غربال شهریست از ولایت … که یکی از ولایات مملکت جرمن است
ارفرت بکسر الف و را مهمله زده و فا مفتوحه و را مهمله زده و تاء فوقانیه بروزن … شهریست از ولایت

سقسان

سقسان علیا دار الحکومه بلوک تورنجیاست و کنار رودخانه سره و بمسافت پنجاه و شش میل بسمت شرق
و جنوب شهر لیپزیک واقعست طول شرقی آن یازده درجه و نه دقیقه و عرض شمالی پنجاه درجه و دو
دقیقه است و قلعه محکم دارد و یک مدرسه معظم که مخصوص … کتابخانه یکی وقف خلفای مذهب پروتست
نت است و دیگری وقف خلفای مذهب رومن کاتلیک و اندکرو وقف عموم طلاب علوم و این شهر
در سنه یکهزار و صد و پنجاه و یک آتش گرفت و یکصد و هشتاد خانه و چندین کلیسا سوخت و در سنه یکهزار و
دویست و بیست و دو لشکر فرانسه اینشهر را مسخر کردند ساکنین این بلد یازده هزار بشمار آمده اند **ارزجر**
بکسر الف و را معجمه زده و جیم مکسوره و با موحده مفتوحه و را مهمله زده کوهستانیست که معبر فرانسه و نیز است
و بسیار راه سخت و ناهموار است **اسبکه** بکسر الف و سین مهمله زده و با موحده مفتوحه و کاف مکسوره بهاء
ولایتیست از فرانسه در اوقات ضعف و فتور دولت فرانسه این ولایت در تصرف دولت … بود و بعد از
استیلای امپراطور ناپلیون لشکر فرانسه استرداد نمود **اسندریه** بکسر الف و سین مهمله مفتوحه بنون زده و
دال مهمله مفتوحه و را مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مشدده مکسوره بهاء زده شهریست از ایطالیا طول شرقی آن
هفت درجه و سی و هشت دقیقه و عرض شمالی چهل و چهار درجه و پنجاه و سه دقیقه است اینشهر در ولایت پیمونت
و کنار رودخانه … و بمسافت چهل میل بسمت مشرق شهر تورین و پنجاه میل بجانب جنوب و مغرب
شهر میلان که دار الملک ایطالیاست واقعست و اینجا دار الحکومه بلوک مارنکو است و با وجود آنکه قلعه
و ارک محکمی دارد چندین نوبت مسخر لشکر فرانسه شده اهل اینجا را دو هزار نفر شمرده اند **استاریه**

بفتح الف بسین مهمله زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مکسوره بهاء زده اسم
مملکتی است و بیان آن در باب نون خواهد آمد ان شاء الله تعالی اسونی بکسر الف و سین مهمله
مضمومه بواو زده و نون مکسوره بیاء تحتانیه زده شهریست از فرانسه در کنار رودخانه اسونی استندل
بفتح الف بسین مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره و نون مفتوحه بدال مهمله زده شهریست از مملکت انگلند
اسنی بکسر الف بسین مهمله زده و نون مکسوره بیاء تحتانیه زده شهریست از ولایت سابایه در کنار
رودخانه اسنی و مسافت پنج میل بسمت شمال و مشرق شهر لشنه و قمت عمارت معروفش
صومعه ایست موسوم به سنت جاج اسر بکسر الف و سین مهمله مفتوحه براء مهمله زده بر وزن پسر
رودخانه ایست در ممالک جرمن از حدود ولایت طیرال بر میخیزد و از شهر میونک و لندکوت گذشته
در باین شهر سترنگ و پشو برودخانه دنوب میریزد اسپین بکسر الف بسین مهمله زده و باء عجمی مکسوره
و نون مفتوحه بنون زده شهریست از فرانسه اسین بفتح الف و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون بر وزن
این شهریست از مملکت حالند در ولایت آوریسل و مسافت دوازده میل بجانب جنوب و مغرب
شهر دونجن و بیست و یک میل بسمت شمال و مغرب شهر گواردن واقعست و ایضا شهریست از مملکت
فرنگ طول شرقی آن ده درجه و دو دقیقه و عرض شمالی پنجاه و پنج درجه و ده دقیقه است این شهر
در جزیره فونن و مسافت هفده میل بجانب جنوب و مغرب شهر اودنسی واقعست معبر ملوک فرنگ شهر
کوپن هیگن که دار الملک فرنگ است از بحر بر یاست اسوپیه بکسر الف و سین مهمله مفتوحه بواو زده

و باء عجمی مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده اسمیست که علمای علم جغرافیا وضع کرده اند از برای بعضی از ممالک
مغرب زمین و او را بدو قسمت کرده اند یکی را اسوپیه علیا و دیگری را اسوپیه سفلی گویند سمت علیا مشتمل است
بولایت نوبیه و ابسینیه و قیفیه و طرف سفلی محتویست بر ممالک جانب جنوب خط استوا مانند گا
و مانوجی و ماکرانگه و بعضی ولایات دیگر اسانیز بفتح الف و سین مهمله بالف کشیده و یاء تحتانیه بکاف زده
معجمه مفتوحه شهریست از ایطالیا در دامنه کوهی واقعست و نظر بانکه باعتقاد مسیحین مولد یکی از حواریین است
از مشهور دانش انجم میدانند و از سنت اسانیز گویند چه سنت بمعنی متبرکست استارا بفتح الف و سین
مهمله زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و راء مهمله بالف کشیده مکانیست بسرحد مملکت فرنسه و فرانس استلجین
بکسر الف و لام مکسوره بنون زده و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون شهریست از مملکت سابایه در ملوک ترکی
در کنار رودخانه نیکر و مسافت شش میل بجانب جنوب و مشرق شهر ستتقرد واقعست انجا چندین
صومعه دارد و معیشت تجاریست که در بیرون شهر محله بزرگ ساخته سکنی گرفته اند و غالب ایشان مذهب
لوترن دارند اطروا بکسر الف و طاء مهمله مکسوره براء مهمله زده و واو بالف کشیده شهریست از فرانسه
اطلنتک بفتح الف بطاء مهمله و لام مفتوحه بنون زده و تاء فوقانیه مکسوره بکاف زده دریاییست فیمابین
ولایات جنوبی فرنگستان و ممالک شرقی ینگی دنیا کمترین عرض این دریا که میانه ولایت قنه و ولایت
برزل است دو هزار و سیصد میلست آنچه ازین بحر در جانب جنوب خط استوا واقعست باطلنتک
جنوبی موصوف و آنچه در طرف شمال خط استواست باطلنتک شمالی معروف اطنجین بکسر الف

بفتح الف بسین مهمله زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مکسوره بهاء زده اسم
مملکتی است و بیان آن در باب نون خواهد آمد ان شاء الله تعالی اسونی بکسر الف و سین مهمله
مضمومه بواو زده و نون مکسوره بیاء تحتانیه زده شهریست از فرانسه در کنار رودخانه اسونی استند
بفتح الف بسین مهمله زده و تاء فوقانیه مکسوره و نون مفتوحه بدال مهمله زده شهریست از مملکت زلند
اسنی بکسر الف بسین مهمله زده و نون مکسوره بیاء تحتانیه زده شهریست از ولایت سابویه در کنار
رودخانه اسنی و بمسافت پنج میل بسمت شمال و مشرق شهر لشنه و در آنجا عمارت معروفش
صومعه ایست موسوم به سنت جاج اسپر بکسر الف و سین مهمله مفتوحه براء مهمله زده برودن اسپر
رودخانه ایست در ممالک جرمنی از حدود ولایت ظیرال برمیخیزد و از شهر میونک و لندکوت گذشته
در مابین شهر سترنبق و پسو برودخانه دنوب میریزد اسپسن بکسر الف بسین مهمله زده و بای عجمی مکسوره
و نون مفتوحه بنون زده شهریست از فنه اسین بفتح الف و سین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون برون
این شهریست از مملکت جانند در ولایت آوریلیدل و بمسافت دوازده میل بجانب جنوب و مغرب
شهر وارجین و بیست و یک میل بسمت شمال و مغرب شهر کووارودن واقعست و ایضا شهریست از مملکت
دنمرک طول شرقی آن ده درجه و دوازده دقیقه و عرض شمالی پنجاه و پنج درجه و هفده دقیقه است این شهر
در جزیره فونن و بمسافت هفده میل بجانب جنوب و مغرب شهر اونسی واقعست معبر ملوک لیتل ونکز بشهر
کوپن هغن که دار الملک دنمرک است از این جزیره است اسوبیه بکسر الف و سین مهمله مفتوحه بواو زده

و بای

و بای عجمی مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده اسمی است که علمای علم جغرافیا وضع کرده اند برای بعضی از ممالک
مغرب زمین و آن را به دو قسمت کرده اند یکی را اسوبیه علیا و دیگری را اسوبیه سفلی گویند سمت علیا متصلست
بولایت نوبیه و ابسینیه و قیغیه و طرف سفلی محدود است بممالک جانب جنوب خط استوا مانند گنگو
و مانو عجی و ما کرنقه و بعضی ولایات دیگر اسپایز بفتح الف و سین مهمله بالف کشیده و یاء تحتانیه ساکنه و زاء
معجمه مفتوحه شهریست از ایطالیا در دو میلی کوهی واقعست نظر بانکه باعتقاد مسیحین مولد یکی از حواریین است سوی
این شهر و اهالیش احترام میدارند و از این جهت اسپایز گویند چه سنت بمعنی متبرک است استارا بفتح الف و سین
مهمله زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و راء مهمله بالف کشیده مکانیست که سرحد مملکت نیسه و فرانسه است استلجین
بکسر الف لام مکسوره بنون زده و جیم مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون شهریست از مملکت سابویه در بلوک [illegible]
در کنار رودخانه بنگره و بمسافت شش میل بجانب جنوب و مشرق شهر سنت فرد واقعست اینجا چندین
صومعه دارد و جمعیتش بحدیست که در بیرون شهر محله بزرگ ساخته سکنی گرفته اند و غالب اهالیش بهمین
نوکرین دارند اسطروا بکسر الف و طاء مهمله مکسوره براء مهمله زده و واو بالف کشیده شهریست از فرانسه
اطلنتک بفتح الف بطاء مهمله و لام مفتوحه بنون زده و تاء فوقانیه مکسوره بکاف زده دریاییست میان
ولایات جنوبی فرنگستان و ممالک سرحدی دنیا که عرض این دریا که میانه ولایت قینه و ولایت
برزل است دو هزار و سیصد میل است آنچه از این بحر در جانب جنوب خط استوا واقعست باطلنتک
جنوبی موصوفست و آنچه در طرف شمال خط استواست باطلنتک شمالی معروف اسفنجین بکسر الف

بقاف زده ولام مکسوره بنون زده وجیم مکسوره بیای تحتانیه زده و نون شهریست از ملک جاپانیه و از محکوم
ولایت فقیچین و مسافت شش میل بسمت شمال شهر چین و قهستان اقس بکسر الف بقاف زده
وسین مهمله شهریست از فرانسه اقیسل بکسر الف بقاف زده و سین مهمله مکسوره بیای تحتانیه زده ولام
بروزن مسکین شهریست از ملک پیمونت در کنار رودخانه دایره و مسافت بیست و هفت میل
بسمت مغرب و شمال شهر تورین و قلعه وسیع و ارک رفیعی که بر قله کوه پاره ساخته‌اند دارد
اکری بفتح الف بکاف زده و را مهمله مکسوره بیای تحتانیه زده بندریست از شامات و بیت المقدس
در نزدیکی رودخانه کردنه و مسافت نه میل بدامنه کوه کرمل و بیست و چهار میل بجانب جنوب شهر صور
و چهل و هفت میل بسمت شمال بیت المقدس و قهستان طول شرقی آن سی و پنج درجه و بیست دقیقه
و عرض شمالی سی و دو درجه و سی و دو دقیقه است اینجا در ازمنه سابقه شهر معظم و قلعه محکمی بوده در عهد جب
مسلمانان با فرنگان چندین نوبت محاصره شده و صدمات بسیار بر آن وارد آمده و پس از آن دیگر بحالت
اول باز نگشته از آثار عمارات قدیمه‌اش امارات عظمت آشکار است از آنجمله صومعه بزرگیست که بسیم
یکی از حواریین ساخته شده و در سنه یکهزار و دویست و چهارده هجری امپراطور بناپارت ناپلیون اینجا را محاصره
نموده دوازده یورش برده عاقبت مستخلص نکرده مراجعت کرد اکو بفتح الف و کاف مفتوحه بواو زده
شهریست از ملک ایطالیا در ولایت منتونه در کنار رودخانه چیزا و مسافت دوازده میل بسمت مغرب شهر
منتوه و قهستان اگوی بفتح الف و کاف مشدده مضمومه بواو زده و یای تحتانیه شهریست از ملک پذمونت

در ولایت نوفرث و کنار رودخانه بارمیده و مسافت پانزده میل بجانب جنوب شهر الکسندریه و قهستان
قلعه خوبی دارد چشمه آب گرمی در شهر هست و ایضاً شهریست از ولایت تنگکی الب بفتح الف
بلام زده و بای ابجدی ساکنه بروزن قلب رشته کوهستانیست در فرنگستان ابتدایش از خلیج ولایت جناوه است
از سمت شرقی شهر نیس بولایت طرال و بوسنه رفته منتهی میشود و بسمت شمال ملک فرنگ دور بعضی
اکنده و منشعب شده دره‌ها یکه میان آنها حادث گشته بسیار عظیم است ارتفاع این کوه را از چهار هزار الی
پانزده هزار و ششصد پای آدمی برآورد کرده‌اند و غالب معابرش صعب است و گذشتن از آنها موجب
زحمت و هلاکت است چنانکه هنبال که یکی از پادشاهان قدیم است اراده کرده که با لشگری انبوه ازین کوه گذشته
از سمت پذمونت داخل ممالک ایطالیا شود و بسبب صعوبت راه و سردی هوا بسیاری از فیلها و لشگرش
هلاک شده و شهری از فرانسه را نیز الب گویند الکسندریه بفتح الف ولام مکسوره بکاف زده و سین مهمله
مفتوحه بنون زده و دال مهمله مفتوحه و را مهمله مفتوحه و تاء فوقانیه مفتوحه بسیار زده شهریست از شامات در ساحل
دریای مدیترانین که آنرا بفارسی دریای سفید و بترکی آق دگز گویند و قهستان طول شرقی آن سی و شش درجه
و پانزده دقیقه و عرض شمالی سی و شش درجه و سی و پنج دقیقه است و مسافت هفت میل بسمت شمال و مغرب
شهر حلب واقعست بسیار شهر معمور و خوبیست آن از عمارتش بسی افزون تر است اطرافش گلها و بستانات
آب و میوه‌اش خالی از امتیاز نیست و هوایش بنا بسازگاری معروف است تابستان از شدت گرما زیست در آنجا
متعذر است و آبش فراوان و از اطراف و کوهسار جوانب میوه‌ها میرویند بسیار هم در تجمل و خوشی از شهرهاست

بقاف زده ولام مکسور بنون زده وجیم مکسور بیاء تحتانیه زده ونون شهریست از ملک اسپانیه در
ولایت قلنجین ومسافت شش میل بسمت شمال شهر رجین واقعست **اقس** بکسر الف بقاف زده
وسین مهمله شهریست از فرانسه **اقسیل** بکسر الف بقاف زده وسین مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده ولام
بروزن مسکین شهریست از ملک پیمونت در کنار رودخانه دایره ومسافت بیست وهفت میل
بسمت مغرب وشمال شهر تورین واقعست قلعه وسیع وارک رفیعی که بر قله کوه پاره ساخته شده دارد
اکری بفتح الف بکاف زده ورای مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده بندریست از شامات وبیت المقدس
در نزدیکی رودخانه کرزنه ومسافت ده میل بدامنه کوه کرمل وبیست وچهار میل بجانب جنوب شهر صفدی
وچهل وهفت میل بسمت شمال بیت المقدس واقع طول شرقی آن سی وپنج درجه وبیست دقیقه
وعرض شمالی سی ودو درجه وسی ودو دقیقه است اینجا در زمان سابق شهر معظم وقلعه محکمی بوده در عهد حرب
مسلمانان با فرنگان چندین نوبت محاصره شده وصدمات بسیار بر آن وارد آمده وپس از آن دیگر بحالت
اول بازگشته از آثار عمارات قدیمه‌اش امارات عظمت آشکار است از آنجمله صومعه بزرگی است که تمام
یکی از جواهر ساخته شده ودر سنه یکهزار ودویست وچهار هجری امپراطور بناپارت ناپلیون اینجا را محاصره
نموده دوازده یورش برده عاقبت مستخلص نکرده مراجعت کرد **اکلو** بفتح الف وکاف مفتوحه بواو زده
شهریست از ملک ایطالیا در ولایت توسقانه در کنار رودخانه چیزا ومسافت دوازده میل بسمت مغرب شهر
فلورنس واقعست **اکوی** بفتح الف وکاف مشدده مضمومه بواو زده ویاء تحتانیه شهریست از ملک پدمونت

درو

در ولایت نفرت در کنار رودخانه بارمیده ومسافت پانزده میل بجانب جنوب شهر اسکندریه واقعست
قلعه خوبی دارد چشمه آب گرمی در این شهر هست وایضا شهریست از ولایت تنکلی **الپ** بفتح الف
بلام زده وبای عجمی ساکنه بروزن قلب رشته کوهستانیست در فرنگستان ابتدایش از خلیج ولایت جنوا واز
از سمت شرقی شهر نیس بولایت تیرال وسویسره رسیده منتهی میشود وبسمت شمال ملک فرنک ودر بعضی
اماکن دو شعبه شده دره‌ای که میان آنها حادث گشته بسیار صعب وسخت است ارتفاع این کوه را از چهار هزار الی
پانزده هزار وشصت پای آدمی برآورد کرده اند وغالب معابرش صعب است وگذشتن از آنها موجب
زحمت وهلاکت است چنانکه هنبال که یکی از پادشاهان قدیم است اراده کرد که با لشکری انبوه ازین کوه گذشته
از سمت پدمونت داخل ممالک ایطالیا شود وبسبب صعوبت راه وسردی هوا بسیاری از فیلها ولشکرش
هلاک شدند وشهری از فرانسه را نیز الپ گویند **الکسندرته** بفتح الف ولام مکسوره بکاف زده وسین مهمله
مفتوحه بنون زده ودال مهمله مفتوحه ورای مهمله مفتوحه وتاء فوقانیه مفتوحه بها زده شهریست از شامات در ساحل
دریای مدیترانین که آنرا بفارسی دریای سفید وبترکی آق دنگز گویند واقع طول شرقی آن سی وشش درجه
ویازده دقیقه وعرض شمالی سی وشش درجه وسی وپنج دقیقه است ومسافت شصت میل بسمت شمال ومغرب
شهر حلب واقع شده بسیار شهر محقر وخرابه آن از عمارتش بیش وفزونتر است واطرافش کلا قبرستانست
آب وهوای شهر خالی از ناخوشی نیست وهوایش بنا بر ناسازگاری معروف وتابستان از شدت گرما زیستن آنجا
متعذر است ازینجهت فرار آنجا باطراف وکوهسار جوانب میروند وزمستان بسیار مردم در حول وحوش آن شهر است

الکم بفتح الف بلام زده و کاف مفتوحه بمیم زده بر وزن همدم قریه ایست از مصر البه بفتح الف بلام زده و باء
موحده مکسوره بهاء زده جزیره ایست در دریای سفید نزدیک ساحل دریای مملکت تسکنی طولش پانزده میل
و عرضش چهار میل است شش میل و دو بندر است یکی موسوم به پارتو لانقان و دیگری به پورت فرجو غالب اراضی
این جزیره ناهموار و زراعتش دشوار است لکن انواع میوه مانند نارنج و لیمو و سیب و انگور و انار بسیار است
معدن آهن و سنگ مرمر در کوههای این جزیره هست در قدیم الایام شاهزاده ناپولیون مالک اینجا بوده و حال
چندیست دولت فرانسه تصرف نموده است و ایضاً شهریست از مملکت ینکی دنیا در ولایت نیویرک بکنار
رودخانه هدزن و مسافت میان نجیل بجانب جنوب و مشرق شهر تورین واقعست البرد بفتح الف بلام
زده و باء موحده مفتوحه و راء مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و دال مهمله مفتوحه بواو زده نام شعبه ایست از کوه برز
البرتم بکسر الف بلام زده و لام مکسوره مشدده و راء مهمله زده و یاء تحتانیه مفتوحه بمیم زده نامیست که امپراطور ناپولیون
بچند ولایت از ولایات فرانسه گذاشت و آنرا دولت جداگانه کرده سلطانی از جانب خود در آنجا معین داشت
و بجای میم تاء ساکنه ولایتیست در روس البوقرد بفتح الف بلام زده و باء موحده مضمومه بواو زده و فاء مکسوره و راء مهمله مفتوحه
بهاء زده شهریست از اسپانیول الشب بکسر الف بلام زده و باء مثلثه مفتوحه بیاء تحتانیه زده و باء مثلثه و بجای
دو باء مثلثه دو سین مهمله نیز نوشته اند ولایتیست از ممالک فرانسه حد شرقیش ولایات منسوبه برودخانه
رن است و حد جنوبی مملکت سویتزرلند و ولایت فرنش کامپتی و حد غربی ولایت لارین و حد شمالی
ولایت پلاتینیت این مملکت مشتمل بر مزارع حاصلخیز و خوش آب و هوا و مراتع خرم باصفا و کوههای عظیم

که جنگ

که جنگل سرو و صنوبر و معدن سرب و آهن و سیم و زر است و محصول صنعتی پنبه و تنباکو و از مرکبات
نارنج و لیمو در این ولایت بسیار است و در بعضی نواحی آن جنگلهای کثیر الاشجار در ازمنه سابقه اینجا تعلق به دولت
فرانسه بوده و در این اوقات بممالک منسوبه برودرین تعلق دارد الوده بفتح الف بلام زده و واو مکسوره بنون
زده و دال معجمه مفتوحه بهاء زده شهریست از مملکت پورتقال الکز بکسر الف بلام زده و لام مشدده مفتوحه
براء مهمله زده رودخانه ایست در مملکت جرمن از کوههای ولایت تیرال برخیزد و بسمت شمال ولایت بایریه
میکند و در نزدیکی شهر الم برودخانه دنوب میریزد الکیمرتاین بفتح الف بلام زده و کاف عجمی ساکنه و میم مفتوحه
و راء مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و یاء تحتانیه مکسوره بنون زده اسم دریاچه ایست در ایطالیا
الریه بکسر الف و یاء تحتانیه زده و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده شهریست از فرانسه انجن جین
بفتح الف بلام زده و جیم عجمی مکسوره بنون زده و جیم عجمی مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون شهریست از مملکت
فرانسه و بعد از لام باء موحده مفتوحه ایضاً شهریست از فرانسه الستر بفتح الف و لام مکسوره بسین مهمله زده و تاء
فوقانیه مفتوحه براء مهمله زده رودخانه ایست از مملکت الپان بفتح الف بلام زده و باء عجمی بالف کشیده و بنون
دربان رودخانه ایست در ولایت فرنگانیه الزان بفتح الف و لام مکسوره و زاء معجمه بالف کشیده و نون مکسوره
بیاء تحتانیه زده صومعه ایست در جزیره کارسیکا الینه بکسر الف و لام مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون مفتوحه بهاء زده
شهریست از روس البنقه بفتح الف بلام زده و باء موحده مکسوره بنون زده و قاف مفتوحه بهاء زده بندریست
از مملکت جناوه الرو بکسر الف و لام مکسوره و راء مهمله مفتوحه بواو زده رودخانه ایست در مملکت پیمونت الم بکسر الف

الکم بفتح الف بلام زده و کاف مفتوحه میم زده بر وزن همم قریه ایست از مصر اَلبه بفتح الف بلام زده و باء
موحده مکسوره بهاء زده جزیره ایست در دریای شینه زنگ ساحل دریای مملکت نسکی طولش پانزده میل
و عرضش چهار میل است مشتمل بر دو بندر است یکی موسوم به پارتولانقان و دیگری به پورت فرنجو غالب اراضی
این جزیره ناهموار و زراعتش دشوار است لکن انواع میوه مانند نارنج و لیمو و سیب و انگور و انار بسیار است
معدن آهن و سنگ مرمر در کوههای این جزیره است در قدیم الایام شاهزاده پومبینو مالک اینجا بوده و حال
چندیست دولت فرانسه تصرف نموده است و ایضاً شهریست از مملکت فرنگ مونت در ولایت ماقرنیر کنار
رودخانه طرزه و مسافت بیست و پنج میل بجانب جنوب و مشرق شهر تورین واقعست البره بفتح الف و لام
زده و باء موحده مفتوحه و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه زده و دال مهمله مفتوحه بواو زده نام شعبه ایست از کوه برز
الیرم بکسر الف بلام زده و لام مکسوره مشدده و راء مهمله زده و یاء تحتانیه مفتوحه میم زده نامیست که امیر الطونا
بچند ولایت از ولایات فرنسه گذاشت و آن از دولت جداگانه کرده سلطانی از جانب خود در آنها معین ساخت
و بجای میم ثاء مثلثه ساکنه ولایتیست در روس البوقر بفتح الف بلام زده و باء موحده مضمومه و قاف مکسوره و راء مهمله مفتوحه
بهاء زده شهریست از اسپانیول الشیت بکسر الف بلام زده و ثاء مثلثه مفتوحه بیاء تحتانیه زده و ثاء مثلثه و بجای
ثاء مثلثه سین مهمله نیز نوشته اند ولایتیست از ممالک فرانسه حد شرقیش ولایات منسوبه برودخانه
رین است و حد جنوبی مملکت سویتسرلند و ولایت فرنش کامتی و حد غربی ولایت لارین و حد شمالی
ولایت پلتینت این مملکت مشتمل است بر مزارع حاصلخیز و خوش آب و هوا و مراتع خرم با صفا و کوههای عظیم

که

که نبت سرو و صنوبر و معدن سرب و آهن و سیم و زر است محصول صیفی پنبه و تنباکو و از مرکبات
نارنج و لیمو در این ولایت بسیار است و در بعضی نواحی آن جنگلهای کثیر الاشجار در ازمنه سابقه اینجا متعلق بدولت
فرانسه بوده و درین اوقات بممالک منسوبه برودرین تعلق یافته الوند بفتح الف بلام زده و واو مکسوره بنون
زده و ذال معجمه مفتوحه بهاء زده شهریست از مملکت پورتگال الّر بکسر الف بلام زده و لام مشدده مفتوحه
براء مهمله زده رودخانه ایست در مملکت جرمن از کوههای ولایت طیرال برخیزد و بسمت شمال ولایت سابیه
میگذرد و در نزدیکی شهر الم برودخانه دنوب میریزد الپمریتاین بفتح الف بلام زده و باء عجمی ساکنه و میم مفتوحه
و راء مهمله مکسوره بیاء تحتانیه زده و تاء فوقانیه بالف کشیده و یاء تحتانیه مکسوره بنون زده اسم دریاییست در ایطالیا
الریه بکسر الف و لام بیاء تحتانیه زده و راء مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده شهریست از فرانسه الچنچین
بفتح الف بلام زده و جیم عجمی مکسوره بنون زده و جیم عجمی مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون شهری است از مملکت
نسه و بعد از لام باء موحده مفتوحه ایضاً شهریست از فرانسه الستر بفتح الف و لام مکسوره بسین مهمله زده و تاء
فوقانیه مفتوحه براء مهمله زده رودخانه ایست از مملکت لیا الپان بفتح الف بلام زده و باء عجمی بالف کشیده و بر وزن
دربان رودخانه ایست در ولایت فرنگانیه الزانی بفتح الف و لام مکسوره و زاء معجمه بالف کشیده و نون مکسوره
بیاء تحتانیه زده صومعه ایست در جزیره گارسیکا الینه بکسر الف و لام مکسوره بیاء تحتانیه زده و نون مفتوحه بهاء زده
شهریست از روس البنقه بفتح الف بلام زده و باء موحده مکسوره بنون زده و قاف مفتوحه بهاء زده بندریست
از مملکت جناوه الرو بکسر الف و لام مکسوره و راء مهمله مفتوحه بواو زده رودخانه ایست در مملکت پیمونت الم بکسر الف

بلام زده و میم بروزن حلم شهریست از نمسان علیا در کنار رودخانه آلم و مسافت سیزده میل بسمت شمال و مغرب
شهر زونسته و چهارده میل بجانب جنوب و مشرق شهر ارفرت واقع است الکسندریه بفتح الف و لام مکسوره
بکاف زده و سین مهمله مفتوحه بنون زده و دال مهمله مفتوحه و رای مهمله مکسوره و یای تحتانیه مشدده مفتوحه بها زده شهریست
از ایطالیا امین بفتح الف و میم مکسوره بیای تحتانیه زده و نون بروزن یمین شهریست از ایطالیا و ایضا شهریست از فرانس
امند بفتح الف و میم مفتوحه بنون زده و دال مهمله بروزن کمند شهریست از فرانسه در بلوک چر و کنار رودخانه چر
و مسافت بیست و دو میل بجانب جنوب شهر بورژ واقع است و ایضا شهریست از فرانسه در بلوک نارد و چون از
اکثر متبرکات آنجاست سنت آمند گویند زیرا که سنت بمعنی متبرک است آمذن بفتح الف و میم مفتوحه و ذال
معجمه مکسوره بنون زده شهریست از مملکت فرنسه امینز بفتح الف و میم مکسوره بنون زده و زای معجمه شهریست از فرانسه
دار الحکومه بلوک سم و مسافت بیست میل بجانب جنوب و مشرق شهر ابویل و هفتاد و چهار میل بسمت شمال
شهر پاریس واقع است طول شرقی آن دو درجه و بیست و دو دقیقه و عرض شمالی آن چهل و نه درجه و پنجاه و چهار دقیقه است
رودخانه سام در بیرون این شهر سه شعبه شده از سه موضع داخل شهر میشود و مجمع کوچهاییکه رود در اطراف شهر
بیکدیگر می پیوندد و یک کلیسای جامع و ده صومعه و یک مدرسه دارد و کارخانه ماهوت و کرباس پشمی و اینجا بسیار است
بحدیکه عمله این دو کار زیاده از سه هزار بشمار آورده اند در سنه یکهزار و سیزده هجری دولت اسپانیول این شهر را
در تصرف آورد و چندی نگذشت که هنری چهارم پادشاه فرانسه از دست ایشان انتزاع کرد و در سنه یکهزار
و دویست و مجدد امنای دولت اسپانیول و هلند و وکلای مملکت فرانسه و انگلند در شورخانه این شهر نشسته

و بر وفق رضای یکدیگر عهد صلح بستند امرفرت بفتح الف بمیم زده و را مهمله مفتوحه برای مهمله زده و فا و واو و
از ملک مملکت یوتریکت در کنار رود ... و مسافت چهل میل بسمت مشرق شهر ... واقع طول شرقی
آن دو درجه و عرض شمالی چهل و نه درجه و بیست و هفت دقیقه است قلعه محکم و ارک معظمی دارد و در شهر
بنام مرتیانین که یکی از حواریین است کلیسائی ساخته و آنرا چندان بصفا و زرینه و تماثیل عجیبه آراسته اند که در
هیچ ملکی مانند آن نمانده است و هم در اینجا این شهر از عمارتیست که در جمیع مملکت فرنگیه بلکه تمامی ممالک
فرنگستان ثانی باین صفت و عظمت نیست در سنه یکهزار و صد و پنجاه و پنج اینجا را دولت فرانسه ضبط کرد و در سنه یکهزار
و دویست و یازده لشکر فرانسه بحیطه تصرف در آورد اماله بکسر الف و میم با الف کشیده و لام مکسوره بهاء زده شهریست
از مملکت ایطالیا در بلوک ... و کنار رودخانه ... و مسافت دوازده میل بسمت مغرب و جنوب شهر ...
و چهل و چهار میل بجانب شمال و مشرق شهر فلارنس واقع طول شرقی آن یازده درجه و چهل و پنج دقیقه و عرض
شمالی چهل و چهار درجه و بیست و شش دقیقه است قلعه وسیع و برجهای وسیع دارد و درون قلعه که بسیار
نهایت متانت و استحکام و محدد کنیسه و شانزده کلیسای آراسته بزیب و زینت تمام امستردام بفتح الف و میم
مکسوره بسین مهمله زده و تاء فوقانیه مفتوحه برای مهمله زده و دال مهمله مفتوحه بمیم زده دار الملک مملکت هالند
در ولایت ... کنار رودخانه ... و مسافت شصت میل بسمت شمال و مشرق ... و شصت میل بجانب
شمال و مشرق شهر ... واقع طول شرقی آن چهار درجه و پنجاه و دو دقیقه و عرض شمالی پنجاه و دو درجه و
دقیقه است زمینی که این شهر را در آن بنا نموده اند در قدیم الایام گل و لای بوده چهار ... هزار اصله تیر بزرگ

بلام زده و میم بروزن حلم شهریست از متعلقات جلیا در کنار رودخانهٔ آلم و بمسافت سیزده میل بسمت شمال و مغرب
شهر رودلیستد و چهارده میل بجانب جنوب و مشرق شهر ارفرت واقعست آلکسندریه بفتح الف و لام مکسوره
بکاف زده و سین مهمله مفتوحه بنون زده و دال مهمله مفتوحه و را مهمله مکسوره و یای تحتانیه مشدده مفتوحه بهاء زده شهریست
از ایطالیا آمین بفتح الف و میم مکسوره بیای تحتانیه زده و نون بروزن یمین شهریست از ایطالیا و اقتضا شهریست از فرانس
آمند بفتح الف و میم مفتوحه بنون زده و دال مهمله بروزن کمند شهریست از فرانسه در بلوک پیکردی و کنار رودخانهٔ
و بمسافت بیست و دو میل بجانب جنوب شهر بوقیر واقعست و پایتخت شهریست از فرانسه در بلوک [illegible] و چون از
آنکه منبر کاتب این است آمند گویند زیرا که بمعنی متبرکست آمدن بفتح الف و میم مفتوحه و دال
مهمله مکسوره بنون زده شهریست از مملکت فرنسه آمیتر بفتح الف و میم مکسوره بنون زده و زا معجمه شهریست از فرانسه
دارالحکومه بلوک سپانی و بمسافت بیست میل بجانب جنوب و مشرق شهر سپانیول واقعست و چهل میل بسمت شمال
شهر پاریس واقعست طول شرقی آن دو درجه و پنجاه دقیقه و عرض شمالی آن نه درجه و پنجاه و چهار دقیقه است
رودخانه سامی در بیرون این شهر منشعب شده و در سه موضع داخل شهر میشود و بمجمع کوچه ها میگذرد و در اطراف شهر
بیکدیگر می‌پیوندد و یک کلیسای جامع و ده صومعه و یک مدرسه دارد و کارخانهٔ ماهوت و کرباس پشمی باف و در اینجا بسیارست
بجهت یک عملهٔ این دو کار را بسیار بشمار آورده اند و در سنه یکهزار و سیزده هجری دولت سپانیول این شهر را
در تصرف آورده و چندی نگذشت که هنری چهارم پادشاه فرانسه از دست ایشان انتزاع کرده و در سنه یکهزار
و دویست هجری امنای دولت سپانیول و هالند و وکلای مملکت فرانسه و انگلند در مشورتخانهٔ این شهر نشسته

و بروفق رضای یکدیگر عهد مصالحه بستند آمبرگ بفتح الف میم زده و بای موحده مفتوحه برا مهمله زده و کاف بروزن همبرگ
دارالملک مملکت بویریاست در کنار رود ویل و بمسافت چهل میل بسمت مشرق شهر نورنبرگ واقعست طول شرقی
آن دوازده درجه و عرض شمالی چهل و نه درجه و بیست و هفت دقیقه است قلعهٔ محکم و ارک معظمی دارد و در شهر
باسم مریم تیاین که یکی از حواریین است کلیسائی ساخته و آنرا چندان بتصاویر غریبه و تماثیل عجیبه آراسته اند که در
هیچ جا مانند آن نمانده است و هم ضرابخانهٔ این شهر از عماراتیست که در جمیع مملکت بویریه بلکه تمامی ممالک
جرمن بنائی باین نفاست و عظمت نیست در سنه یکهزار و صد و پنجاه و نه اینجا را دولت فرنسه ضبط کرده و در سنه یکهزار و
دویست و یازده لشکر فرانسه بحیطهٔ تصرف در آورد امالفه بکسر الف و میم با الف کشیده و لام مکسوره بهاء زده شهریست
از مملکت ایطالیا در بلوک [illegible] و کنار رودخانهٔ [illegible] و بمسافت دوازده میل بسمت مغرب و جنوب شهر [illegible]
و چهل و پنج میل بجانب شمال و مشرق شهر فلارنس واقعست طول شرقی آن یازده درجه و چهل و پنج دقیقه و عرض
شمالی چهل و چهار درجه و بیست و شش دقیقه است قلعهٔ وسیع و برجهای وسیع دارد و در اندرون قلعه ارکیست در
نهایت متانت و استحکام و معبد کنیسه و منارهٔ کلیسای آراسته بزیب و زینتی تمام آمستردم بفتح الف و میم
مکسوره و سین مهمله زده و تاء فوقانیه مفتوحه برا مهمله زده و دال مهمله مفتوحه بمیم زده دارالملک مملکت هالند است
در ولایت آمستل و کنار رودخانهٔ آمستل و بمسافت شصت میل بسمت شمال و مشرق شهر [illegible] و شصت میل بجانب
شمال و مشرق شهر انطورپ واقعست طول شرقی آن چهار درجه و پنجاه و دو دقیقه و عرض شمالی پنجاه و دو درجه و
دو دقیقه است زمینی که این شهر را در آن بنا نموده اند در قدیم الایام گل و وحل بوده و چهارده هزار اصله تیر بزرگ

در آن فرو برده سر تیرها را از زمین سخت رسانده گل و چل و گل برداشته بجایش خاک انباشته شهری ساختند
مشتمل بر قلعه محکم و عمارات معظم و کوچهای عریض بسنگ مفروش و صوامع و کنایس مذهب و منقش بطرز
منقوش در وسط جمیع معابر نهرهای آب خوشگوار روانست و در حریم آن انهار درختان جوان و در روی بیابان
انجمنی اتفاق نیفتد که در روی زمین شهری بدین آراستگی و تزیین نیست و بازار معاملاتش از جمله متبرکاتست
زیرا که از امتعه هر مملکت آنجا میسر شود و از هر قسمت در آنجا اجناس میفروشند و میخرند و بار کالاها
نیز بهترین بندرات دانسته و در منفعت تجارت تالی بندر لندنش خوانند اهلش را دویست و دوازده هزار
بشمار آورده اند در سنه یکهزار و دویست و دو آنجا را پادشاه پروس مسخر کرد و در سنه یکهزار و دویست و ده از
لشکر فرانسه بدون مقاتله بحیطه ضبط در آورده و در سنه یکهزار و دویست و بیست و هشت الی آن تاریخ در حکم ... گشت
امحالت بفتح الف میم زده و حاء مهمله با الف کشیده و لام ساکنه و تاء فوقانیه شهریست از مضافات ...
انحالت بفتح الف نون زده و حاء مهمله با الف کشیده و لام ساکنه و تاء فوقانیه ولایتیست از مضافات حلب
حد شمالش ولایت ... و حد جنوبش ولایت ... و حد مغربش ولایت ... است و حد مشرقش ولایت
کارفرت است طولش چهل و دو میل و عرضش دو میل و در این ولایت زمین سخت و نامستوی بسیار قلیلست از جمله
هموار افتاده آن زراعت میکنند و محصولات شتوی و صیفی آنجا را باطراف و جوانب میبرند و انهار
دو رودخانه است یکی موسوم بساله نی و دیگری معروف ... در قدیم الایام دار الحکومه آنجا قلعه
اکنون چنان خراب و بی نشان شده که اسمش هم در میان نیست و در این زمان دار الحکومه آنجا ... است

شهریست و انتها جزیره ... از متعلقات ولایت انگلند طول شرقیش یازده درجه و پنج دقیقه و عرض
شمالی پنجاه و شش درجه و سی و شش دقیقه است بندرش کثیر المنفعت و اهلش در نهایت ... اند و
است در سنه یکهزار و دویست و سی و پنج هجری دولت انگلیز این جزیره را متصرف شد **اندلوسیه** بفتح الف
بنون زده و دال مهمله مفتوحه و لام مضمومه بواو زده و سین مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده یکی از ممالک
اسپانیول است و بدو قسمت منقسم شده یکی علیا و آن مشتمل بر ولایت قرطبه و دیگری سفلی و آن مجموع ولایات
سویل و کادز است و طول این ملک تا ... ولایت قرطبه دویست و شصت میل است و عرضش
میل و محدود است از سمت شمال بولایت استرمدور و مانچا و از طرف مشرق بولایت مرسیه و از جانب
جنوب بولایت قرناطه و دریای محیط و از جهت مغرب بولایت الکرف و مملکت پرتکال زمین
بسیار حاصلخیز است و محصولش از رودخانه قادل کبیر که بطول آنجا جاریست مشروب میشود و منفعت
تجارتش بدولت اسپانیول عاید میگردد و انتها شهریست از مملکت پرتگال **انقولیم** بفتح الف بنون زده
و قاف مضمومه بواو زده و لام مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه میم زده شهریست از مملکت فرانسه **انگانه** بفتح
الف بنون زده و کاف با الف کشیده و نون مکسوره بهاء زده بر وزن بیگانه ملکیست از ایطالیا حد
شمال و مغربش ولایت آرتیو و حد شمال و مشرقش خلیج ونیک و حد جنوب و مغربش مملکت اسپالتو و حد شمال
و مشرقش مملکت نیپل است طولش شصت میل و عرضش چهل میل و تمام این سرزمین انواع حبوب
حاصل خیز است و انگورش بسیار خوب است و عسل و موم نیز در آنجا وفور دارد انتها شهریست از ایطالیا

در آن فرو برده سر تیرها را از زمین تخت رسانده گل و چل و گل را برو انباشته بجایش خاک انباشته شهری ساختند مشتمل بر قلعه محکم و عمارات معظم و کوچهای عریض بسنگ مفروش و صوامع و کنایس خوب و منقش بطرز نقوش در وسط جمیع معابر نهرهای آب خوشگوار روانست و در حریم آن انهار درختان فراوان و در روی چمنان از بعضی اتفاقیست که در روی زمین شهری بدین آراستگی و تزیین نیست و بازار معاملاتش از جمله متبرکات است زیرا که از اقصای ممالک انگلیسی که به بندر و از مرقت در انجا اجناس میفروشند و میخرند و بندر و بارکاهش را بزرگترین بندرات دانسته و در منفعت تجارت تالی بندر لندنش خوانند اهلش را دویست و دوازده هزار بشمار آورده اند و در سنه یکهزار و دویست و دو انجا را پادشاه فرانسه مسخر کرده و در سنه یکهزار و دویست و دوازده لشکر فرانسه بدون مقاتله بحیطه ضبط درآورده و در سنه یکهزار و دویست و بیست و شش تا الی تاریخ مسلم گشت

امحالت بفتح الف بمیم زده و حاء حطی بالف کشیده و لام ساکن و تاء فوقانیه شهریست از سعستان سفلی

انحالت بفتح الف بنون زده و حاء حطی بالف کشیده و لام ساکن و تاء فوقانیه ولایتیست از سعستان علیا حد شمالش ولایت [illegible] و حد جنوبش ولایت [illegible] و حد مغربش ولایت [illegible] و حد مشرقش ولایت کالوقرت است طولش [illegible] میل و عرضش [illegible] میل و در این ولایت زمین سخت و ماسه و ار بسیار قلیلست از جهت همواره آن زراعت نمیکند و محصولات شتوی و صیفی انجا را با طراف و جوانب میبرند انبوه است دو رود خانه است یکی موسوم بسالدی و دیگری معروف [illegible] در قدیم الایام دار الحکومه انجا قلعه بود اکنون چنان خراب و بی نشان شده که اسمش هم در میان نیست و در جزر زمان دار الحکومه انجا [illegible] است

شهر [illegible] و ایضا جزیره ایست از متعلقات ولایت فرنگ طول شرقیش یازده درجه و سی و پنج دقیقه و عرض شمالی پنجاه و شش درجه و سی و شش دقیقه است بندرش کثیر النفع و اهلش بنهایت صفا و عدد [illegible] است در سنه یکهزار و دویست و بیست و پنج هجری دولت انگریز آن جزیره را متصرف شد

اندلوسیه بفتح الف بنون زده و دال مهمله مفتوحه و لام مضمومه بواو زده و سین مهمله مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بهاء زده یکی از ممالک اسپانیولست و به دو قسمت منقسم شده یکی علیا و آن مشتملست بولایت قرنده و دیگری سفلی و آن محتویست بولایات سویل و کاذ و اوه و جیش طول این ملک با [illegible] ولایت قرنده دویست و هشتاد میلست و عرضش هشتاد و [illegible] میل محدود است از سمت شمال بولایت استرمدوره و اندلشیا و از طرف مشرق بولایت مرتیه و از جانب جنوب بولایت قرنیج و دریای [illegible] و از جهت مغرب بولایت الکنیک مملکت پورتقال این زمین بسیار حاصلخیز است و محصولش از رود خانه قادل کویور که بطول انجا جاریست مشروب میشود و منفعت تجارتش بدولت اسپانیول عاید میگردد و ایضا شهریست از مملکت پرتوگال

انقولیم بفتح الف بنون زده و قاف مضمومه بواو زده و لام مکسوره و یاء تحتانیه مفتوحه بمیم زده شهریست از مملکت فرانسه

انکانه بفتح الف بنون زده و کاف بالف کشیده و نون مکسوره بهاء زده بر وزن [illegible] بلوکیست از ایطالیا حد شمال و مغربش ولایت [illegible] و حد شمال و مشرقش خلیج ونیک و حد جنوب و مغربش مملکت [illegible] و حد شمال و مشرقش مملکت نیپل است طولش [illegible] میل و عرضش [illegible] میلست و تمام این زمین مرتفع انواع حبوب خاصه گندم و برنج و [illegible] ممتاز و خوبست عسل و موم نیز در انجا وفور دارد و ایضا شهریست از ایطالیا

دار الحکومه ولایت انگلانه و مسافت یکصد و شانزده میل بسمت شمال مشرق شهر روم واقعست
طول شرقی آن سیزده درجه و بیست و نه دقیقه و عرض شمالی چهل و سه درجه و هشت دقیقه است قلعهٔ
ارک اینشهر در بالای کوه پاره بنا کرده کلیسای جامعش این بر کوه پاره دیگر ساخته اند و خانها غالبا
در دامن این دو کوه و در خلیج و تنگ سرکوبست کاسب اینشهر بیشتر یهود اند و معبد خوبی هم بجهة خود ساخته اند
در ازمنهٔ قدیمه امپراطور طراجن که از قیاصره است در حوالی بندر اینجا سدی بجهة محافظت بعضی از جاها
از طغیان آب دریا بسته بود و بمرور ایام منهدم شده کلمنت دوازدهم پادشاه ایطالیا مجدد آن
سد را بسیار محکم و بطول دو هزار پای آدم کشیده و اینمعنی موجب اطمینان مردمان گردید انطوپ بفتح الف
بنون زده و طاء مهمله مکسوره و واو مفتوحه و راء مهمله زده و باء عجمی شهریست از فرانسه در ولایت ...
و بمسافت بیست و یک میل بسمت شمال شهر ... و شصت میل کانب جنوب شهر امستردم واقعست
رودخانه شلدت از کنار اینشهر میگذرد و بقدر چهار صد ذرع عرض بهم رسانده از اینجهة جهازات دریا
بسهولت باینجا آمده و شد میکنند و امور تجارتش باسانی میگذرد جمعیت اینشهر پنجاه هزار نفر است انقالسته
بکسر الف بنون زده و قاف بالف کشیده و لام ساکنه و سین مهمله مکسوره و تاء فوقانیه مفتوحه و دال مهمله زده
شهریست از مملکت بوریه در کنار رودخانه دنوب و بمسافت ... میل بسمت مغرب شهر ... چهل و یک میل
بسمت شمال شهر مونیک واقعست طول شرقیش یازده درجه و بیست و دو دقیقه و عرض شمالی آن چهل و
شش درجه و چهل و هشت دقیقه است اینجا محفوظترین شهرهای جرمنست زیرا که اطرافش کلا جبل و گل و ...